

جنگ تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا را علیه ایران بی اثر سازیم

سال دوم دوره دوم

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سهشنبه ۴ شهریور ۵۹ شماره ۹۴ تک شماره ۱۰۰ ریال

افغانستان

تهاجم جدید قوای تازه نفس روسی



آمدها و نتایج و راه مقابله با آنرا مورد بررسی قرار میدهم.

مضمون و محتوی تبلیغات امپریالیسم آمریکا در جنبه خارجی بطوراسی معرفی کردن جمهوری اسلامی ایران بصورت یک حکومت تروریستی میباشد. رسانه‌های گروهی آمریکا و کشورهای غربی حکومت ایران را یک حکومت فاشیستی از اضمال حکومت بینوشتن جلاد خون آشام خلق شیلی و ابسیدی امین دلفک مسخره و دیکتاتور و کابلا معرفی میکنند. تشبیه کردن رهبران جمهوری اسلامی با هیتلر و بینوشتن و به تشبیه گرفتن آنان در خدمت این موضوع است که نشان دهند حکومت ایران یک حکومت فاشیستی است که دیوانه وار مردم ایران را قتل عام میکنند و هیچگونه حقی برای کسی قائل نمیشود.

هدف اساسی از ارائه چنین تصویری از ایران بردن آمریکا و اروپا، آماده کردن افکار عمومی جهان برای تهاجم نظامی به ایران است. این تبلیغات چنان مردم ایران را تحت فشار و سرکوب و حشانه دولت معرفی میکند، و چنانکه جمهوری اسلامی ایران را "تنگ بشریت" بشمار میاورد که در صورت تهاجم قوای نظامی آمریکا به ایران مردم آمریکا و اروپا نفس را حتی بگشند که چه خوب شد این "لکه تنگ" از دامن بشریت پاک شد! وجه خوب شد که مردم ایران از دست چنین حکومتی چپارویی رحم رها بیسی پیدا کرد.

بعبارت دیگر این تبلیغات، جمهوری اسلامی ایران را بگونه‌ای معرفی میکنند که آمریکا در صورت تهاجم نظامی به ایران نه تنها بساا عترای مردم جهان روبرو نشود، بلکه مردم جهان این عمل وی را "خدمتی به بشریت" تلقی کنند.

اما عکس العمل جمهوری اسلامی ایران در برابر این همه تبلیغات سوء چه بوده است؟ جمهوری اسلامی ایران از یکسوی این تبلیغات را بی نتیجه و بی اهمیت تلقی کرده و از سوی دیگر با امپریالیستی خواندن این تبلیغات گریبان خود را از دست آنها خلاص کرده است. در واقع میتوان گفت که جمهوری اسلامی ایران در برابر این سوء تبلیغات عملا کاری انجام نداده است. در امپریالیستی بودن این

تبلیغات آمریکا زمینه ساز تهاجم نظامی به ایران است

عمومی مردمان کشورهای خود را طلب کرده و برای اعمال جنایتکارانه و تجاوزگرانه خود توجیهی پیدا کنند. این تبلیغات بعلت اینکه بطور روزمره و از تمام رسانه‌های گروهی اعم از رادیو و تلویزیون، مطبوعات و غیره انجام میشود تا شریک زیادی دارد. هم اکنون نتیجه این تبلیغات را در شعارهای بحثی از جوانان بشنید در صفحه ۲

ایران به کجا میرود؟

این سوالی است که امروز بر سر همه زبانهاست. همه از خود سوال میکنند: ایران به کجا میرود و هرکس به فراخور موقعیت اجتماعی و حرکت طبقاتی خویش جوابی به این سوال میدهد. امروز راه خروج از بحران، از یک بحث بار و آراد سیاسی میان جریانهای مختلف فکری و تلاش برای رسیدن به وحدت نظر و بازسازی وحدت ضربه خورده خلق می‌گذرد. نامه‌های متعددی به "رنجبر" میرسد و مقالات و اظهار نظرها و متعدد و گوناگونی در نشریات مختلف در این باره درج میشود. "رنجبر" از این درخواست کوشید در حد امکانات خود به انعکاس این نظرات و نامه‌ها بپردازد.

در این شماره، در صفحه ۴: نظر آیت الله لاهوتی را که در روزنامه انقلاب اسلامی درج گردیده و همچنین یک مقاله آورده به رنجبر را مطالعه کنید. بقیه در صفحه ۴

ز فکر تفرقه بازای ناشوی مجموع،

یکی از خصوصیات انقلاب بزرگ و پیروز مندا این بود که توانست کلیه عوامل مثبت را بسود همدی مشخص و معین یعنی سرگونی رژیم پهلوی و بر سر انداختن سلطه امپریالیسم آمریکا به حرکت درآورد و بکار را اندازه منتهی هنوز باسی از پیروزی نگذشته بود که، تاکید روی جوانب منفی و طرد عوامان مثبت شروع شد و تا حدی بزرگی که در عمل بزرگترین نیروهای اجتماعی کشور ما را با هم همسو، همگام و همرا کرده بود بهم زد. بجای وحدت، تفرقه و بجای جمع گراشی، فردگراشی، گروه‌گراشی و انحصار طلبی جا گرفت. همدی چنانچه متعجب از اینکه چگونه در انقلاب ما قطره‌ها بهم شدند، برکه‌ها بهم آمدند و دریا شیی بی کران از خلق بحرکت آمد تا سلطه یکی از بزرگترین استثمارگران و استثمارگران جهان را درهم کوبند.

امروز همان مردم متعجب اند که چگونه چنین یکپارچگی و وحدتی بهم ریخته شد و از هم پاشیده گردید؟ خود ما هم حیران زده از یکدیگر می پرسیم آنچه همبستگی و وحدت بکجا رفت؟ آنچه همبستگی و تعاون و همگامی چرا بجزودی از میان ما رخت بر بست؟

جواب یکی است بجای تاکید روی عوامل مثبت (روشی که در مرحله اول انقلاب اتخاذ شد) تاکید را روی عوامل منفی گذاشتیم - از دالین و بر سر امور خارجی اسبق آمریکا نقل می کنند که گفته بود "هرکس دوست ما نیست

شده‌ها رزات مسلحانه خلق دلیرا افغانستان ، رشد مبارزات سیاسی برپائی نظرات و اعتبارات در ادارات و مداخلات پیش مناسبت تحت نفوذ و کنترل مجاهدین و فشار کشورهای و خلقهای جهان بر رژیم ببرگ کارمیل و روسها ، رژیم دست نشانده ببرگ کارمیل را پیش از زینت در صحنه بین المللی و حتی در صحنه سیاسی داخلی ، به انفرادی و انزوا کثافته است ، آرزوی سوسیال امپریالیستها مبنی بر سلطه و تسلط کارمل بر سر افغانستان و تبدیل آن به "جزیره ثبات" و "پایگاه مستحکم" حملات و تجاوزات بعدی را به یاس میسدل کرده و آنها را وادار به عکس العملها و واکنشهای شدیدتری نموده است . بنا به گزارشهای رسیده از افغانستان اخیرا ده هزار سرباز تازه نفس ارتش شوروی برای مقابله با

مجاهدین افغانی وارد افغانستان شده اند . علاوه بر عهدنا مه جدیدی به مبلغ ۵۵۵/۵ میلیون دلار بین روسیه و افغانستان به امضا رسیده است که برای ساختن قسمتهای مختلف فرودگاهها ، کابل است تا هواپیماهای بزرگ و کوچک تحت شرایط گوناگون قادر به انجام عملیات و پرواز باشند به این ترتیب امکانات متجاوین روسی برای ما نوربیشتر و سرگوب وسیعتر خلق افغانستان افزایش می یابد . اما انجام این عملیات و مانتور ها و از دیدار دقوای نظامی تا شیر جندانی در مبارزات مردم افغانستان که جنگ پیروز مندانهای رابه پیش می برند و عزم را سخ دارند که تا آخرین نفرمقاومت و سرزمین خویش را از جنگ اشغالگران روسی بدر آورند ، نخواهد گذارد .

بازی جدید مزدوران روس

بدنبال اعلامیه مشترک چریکهای اکثریت و بانده قاسملو ، میانه آنها و بانده کیانوری شکر آب شده است

در این هفته ، بدنبال صدور اعلامیه مشترکی از جانب جناح قاسملو و حزب دموکرات کردستان و جناح اکثریت "سازمان چریکهای فدائی خلق" ، ناگهان روابط میان دو پارتمیمی و همپیمان یعنی بانده کیانوری و بانده کشتگر - نگهدار رو به تیرگی گذارد و روستا مه "مرهم" در شماره ۲۱۵ خود از این بابت اظهار تاسف و تحیر و نگرانی کرد .

جالب است که فضاحت ، خیانت پیشگی و سرسپردگی باندهای مزدور روس وقتی که از حه میگردد ، باعث تحیر حتی خود مزدوران نیز میگردد البته که مهارت باندهای روسی در توطئه‌گری های ضد انقلابی حیرت انگیز است .

بانده کیانوری که پس از ماهها تلاش توانست در حزب دیگران کردستان و در سازمان چریکها اشعاب ایجاد نموده و سرسپرده ترین دا روده‌های این دولت شکل را برای اجرای نقشه های اربابان روسی با خود هم جبهه سازد ،

انتقاد شدید قطب زاده از جو فرصت طلبی

یغیه در صفحه ۲

بانده کیانوری که با تمام قوا از "تحول مثبت" چریکهای اکثریت به سود سوسیال امپریالیسم حمایت کرده و به نیروهای استقلال طلب و بی‌بیزه حزب ما که این "تحول" سوسیال امپریالیستی را بطرز قاطع و موثر و موقع افشا کردند ، و حتی نه یورش برد ،

بانده کیانوری که بانده قاسملو

تبلیغات هیجگانه تردیدی نمیتوان داشت . اما آیا واقعا در بی نتیجه بودن آنهم میتوان تردید داشت ؟ اصولا باید توجه کرد که آیا تبلیغات برای گیت و چرا چنین مضمونی دارد . رسانه های گروهی آمریکا و اروپای غربی این تبلیغات را برای افکار سازی مردم کشورهای خود انجام میدهند ، این دولتها نیز مندان این هستند که افکار

لهستان علییر غم تهدیدات مبارزه ادامه دارد

در صفحه ۵

یاد حاج مهدی عراقی گراهی باد

زوجها رمشیربور ، سالروز شهادت حاج مهدی عراقی از مبارزین با سابقه فدائیان اسلام و عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی ، و سالروز شهادت فرزندان و حسام (محمد) عراقی است .

سال قبل در چنین روزی ، این مبارز شگفتی نا پذیر و نمونه مبارزه قهرآمیز علیه رژیم سرنگون شده و نمونه با رزقاومت و پایداری علیه ضد انقلاب در دوران اختناق محمد رضا خانی ، به دست دشمنان انقلاب اسلامی ایران ترور شد ، و انقلاب یکی از فرزندان راستین خود را از دست داد .

سراسزندگی حاج مهدی عراقی با سالیهای زندان ، شکنجه و احکام اعدام ، به خاطر مبارزه در راه مردم رقم می خورد ، او که بعد از شهریور ۴۰ قدم به صحنه مبارزه گذاشت ، همیشه در مصاف اول مبارزه علیه رژیم و استبداد شاهراداشت و تا روز بیروزی انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی در کشور ، از پای ننشست .

حاج مهدی عراقی در مبارزات ملی کردن صنعت نفت شرکت جست و در کسوت فدائیان اسلام در ترور رژیم آرا شرکت کرد ، اولین تجربه

دشمن است - و با این سیاست به جنگ جهان سوم ، کشورهایی غیر متعهد رفت و در خدمت امپریالیست تلاش کرد کلبه حکومت های مستقل و غیر متعهد را در خدمت منافع آفرینا براندازد و حکومت های سرکار آورده با مس - سلاح "دوست" آمریکا باشد .

ما هم عملا در سیاست داخلی و سیاست خارجی همین روش را در پیش گرفتیم برای هر چیز میانیاب معین کردیم و با آن کلیه کشورها و جنبشها را محسک زدیم ، افراد ، گروهها را سنجیدیم و بلاخره متوجه شدیم همه وهمه "غش" دارند و فقط مثنی کوچک اند که خالصا اندوا انقلاب را "فهمیده" و خط آنرا می توانند دنبال کنند ، این بزرگترین اشتباه بود و هنوز هست و هر روز هم در این زمینه سقیه در صفحه ۶

نخست وزیر و عدالت اجتماعی

آقای نخست وزیر اخبار در گفتگویی با خبرنگاری بارش اظهار داشتند است : "یک سری توفعات کاذب در جا معده درست شده و ملت در انتظار است . ما از این نظر کارمان خیلی مشکل است . باید این حرکت را هر چه زودتر بحرکت ایدئولوژیک برگردانیم ."

آقای نخست وزیر در توضیح آنچه که وی "توفعات کاذب در جامه" نامیده است ، اضافه کرده اند :

"جا معده سرعت منتظر است اما مسائل رفاهی را مطرح کنیم ."

آقای نخست وزیر در ارزیابی از این "توفعات کاذب" - یعنی مسائل رفاهی مردم هم چنین اضافه کرده اند :

"من اینرا خط صحیح نمی دانم . ما آنقدر که نگران مکتب هستیم ، نگران کم و زیاد بی برتقال و انگور نیستیم . در رژیم گذشته این چیزها نامین بود ... در این اظهارات آقای نخست وزیر ، آنچه که قبل از هر چیز حساسیت بر می انگیزد نوعی "کم لطفی" محسوب میماند است .

کم لطفی حساسیت بر انگیزد آقای نخست وزیر آنهم در آستانه تشکیل کابینه از آنجایی نظر هر میکند که ایشان "مسائل رفاهی مردم" را تا حد "کم و زیاد بی برتقال و انگور" شنزل داده اند ، خواست های محققانه مردم از حکومت را تنها به "مسائل رفاهی" محدود کرده اند و سپس خواستهای محققانه مردم "و از جمله مسائل رفاهی" نموده ها را "توفعات کاذب" نامیده و آنرا تبلیحا در مقام تعارضی با مکتب قرا داده اند .

لازم است چند نکته را در این خصوص مفصل تر توضیح دهیم .

رفاه نموده مردم در بعد گسترده ترش ، آنچه که بعنوان "عدالت اجتماعی" موسوم است ، یکی از مسائل و خواست های اساسی نموده مردم است و آن مکتبی که امر عدالت اجتماعی را مبتدا بر کنی اساسی در خود مستتر ندارد ، بدون تردید مکتب خوبی نیست .

اگر منظور از مکتب که اینطورها بر زبان بسیاری جا ریست ، همان اسلام مبارز است ، با ستانده تاریخ بیدایش آن ، با ستانده دنیای آن در تاریخ معاصر جا معده و با ستانده دنیاها و تقاسیر رهبران آن ، عدالت اجتماعی را یکی از مسائل اساسی می دانند .

اسلام مبارزه تنها مخالف عدالت اجتماعی و رفاه مردم محسک نیست بلکه برای چنین اصلی با مستکبرین بسیار زه برمی خیزد ، بچمن جهت هم رهبران اسلام مبارزین را زه در باره وضع مستضعفین جامعه محسک می کنند ، و بدینجی است که اگر چنین نبود دیگر این مکتب ، مکتب مستضعفین نبود ، بلکه مکتب اغنیای میشد .

اسلام مبارز اگر مکتب مردمی و مربوط به طبقات مستعبده جامعه است روشن است که می باید بر جمدها رفاه آنان نیز باشد .

علاوه در جایی که اظهار میشود "در رژیم گذشته این چیزها نامین بود" ، اینهم خلاف واقع است . میلیونها زحمتکش ایرانی از جمله انقلاب کردند تا زندگی بهتری داشته باشند و عدالت اجتماعی و رفاه عمومی در جامعه کام شود .

البته نمی توان انکار کرد که این اظهار مطلبی غیرواقع است "در رژیم گذشته این چیزها نامین بود" اما نه برای اکثریت مردم بلکه برای اغنیاء

سقیه در صفحه ۶

گزارشات شهرستانها

اخراج کارکنان صدیق نیروگاه نکا (مازندران)

بدنبال اطلاعیه استانی مازندران دایربرپاکسازی درادارات دولتی در این استان و معرفی افراد ساواکی، مشهور به فساد، خدا نقلاب و کم کاری در ادارات، دوازده نفر از کارکنان نیروگاه نکا به بهانه همین اطلاعیه ولی بدون داشتن هیچکدام از صفات بالا، قربانی توطئه اخراج شدند. بنا بر دستوری که ما در شده است از روز شنبه ۲۵ مرداد با زور و با بیسی اشخاص تا تعیین تکلیف قطعی آنان از طرف "کمیته پاکسازی استان مازندران" به نیروگاه جلوگیری بعمل می آید. در بین این ۱۲ نفر تعدادی مهندس، تکنسین و اعضاء شورای کارکنان نیروگاه نکا به چشم می خورند. اکثر این افراد از صدیق ترین و با کترین افراد این نیروگاه بوده و بخاطر دفاع از حقوق کارکنان پیوسته مورد حمایت وسیع کارکنان و کارگران قرار داشته اند. عده ای از این افراد در جریان انقلاب بسیار فعال بوده و در آن زمان از طرف عوام مل رژیم گذشته تهدیدات بسیاری علیه آنان صورت گرفته است.

بدنبال توطئه اخراج این افراد، کارکنان نیروگاه پس از برگزاری جلسه عمومی یک هیئت برای بیگیری این مسئله تشکیل دادند. وظیفه این هیئت تماس با استانی برای جهت روشن کردن واقعیت قضا یا است. در ضمن قرار است نامه های خطاب به ریاست جمهوری و دادستانی کل فرستاده شود. کارکنان نیروگاه با توجه به جوهر کم بر محل کار خود، در نامه های ارسالی خواهان رسیدگی به این وضعیت تا بسا مان شده خواهان جلوگیری از فعالیت عده ای عناصرا نحصرا طلب که در جهت اخلاص در پیشرفت کار نیروگاه عمل می کنند، شده اند.

اطلاعیه حزب رنجبران ایران (بخش مسجد سلیمان)

اخراج کارگران پاداش شرکت آنها در انقلاب

اخراج بیش از هزار نفر از کارگران و تکنسینهای شهرداری، ضربه جبران ناپذیری به دیگر زحمات کارکنان مسجد سلیمان است، که در نتیجه آن خانواده های بسیاری به فلاکت کشانده خواهند شد. انقلاب به دست توانای کارگران به پیروزی رسید، امروز اما مصلحت انقلاب تا پیروزی نهائی یعنی قطع وابستگی به بیگانگان و دفاع از استقلال و آزادی ایران در مقابل دخالتهای مستقیم و غیر مستقیم آمریکا و روسیه، نیز بدست توانای آنان امکانپذیر است. در زمانی که مرتباً از رسانه های گروهی خبر اختتام دادن بودجه های کلان برای عمران و خوزستان را می شنویم، کارگران شهرداری را به بهانه نبودن بودجه اخراج می کنند. اخراج کارگران در ادامه توطئه کسانی است که می خواهند با آشفتنو فلج کردن اقتصاد ایران، کشمکش بین جناح های حاکم را به سود خود تمام کنند. و به این ترتیب هم هستی کارگران و هم استقلال و آزادی ایران را فدای انحصار طلبی و قدرت طلبی خود می کنند. شرط اساسی حفظ و تحکیم استقلال، تامین آزادی و رفاه زحمات کارکنان بویژه کارگران است. حزب رنجبران ایران ضمن پشتیبانی از مبارزه برحق کارگران شهرداری مسجد سلیمان از مسئولین امر میخواهد تا هر چه سریعتر به خواست برحق آنها یعنی بازگشت به کار، رسیدگی نمایند.

مرگ بر هر نوع وابستگی به بیگانگان نه آمریکای، نه روسیه زنده با دایرانی مستقل و منگی خرید حزب رنجبران ایران - مسجد سلیمان

از مبارزات قهرمانانه دانشجویان در خارج از کشور پشتیبانی کنیم

آرمان ملت:

کودتای ۲۸ مرداد و «جناح چپ موازنه مثبت»

استقلال طلبانه کلیه دانشجویان ایرانی مقیم خارج پشتیبانی کرده و اطمینان داریم که تلاشهای مذبحانه مزدورانی چون اویسی جلاو و عوامل "سیا" و ساواک کوچکترین خطی در عزم انقلابی دانشجویان استقلال طلب و میهن دوست ما پدید نخواهد آورد. ما از تمام برادران و خواهران دانشجویی میخوانیم تا صفوف خود را در برابر دشمنان مشترک انقلاب ما فشرده نموده و با متحد شدن بر گرد شعار "مبارزه متحد و مشترک خود را بر علیه ابرقدرتها و مزدوران نشان بدهیم".

ما از مردم قهرمان کشورمان میخوانیم که از مبارزات استقلال طلبانه کلیه دانشجویان ایرانی در خارج کشور که علیه رژیم حاکم و وحشیانه پلیس آمریکا و با ندهای تروریستی مزدور پیگیرانه به پیش میروند قاطعانه پشتیبانی نمایند.

ما از رسانه های گروهی میخوانیم در این لحظات تاریخی که کشور ما بی اهرزمان برای مقابله با توطئه های گوناگون ابرقدرتها نیاز به وحدت تمامی نیروهای استقلال طلب دارد. اتحاد بزرگ ملی را برپا داریم.

متحد و بیروز با دشمنان استقلال طلبانه دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، انحصار طلبی را طرد کنیم، اتحاد بزرگ ملی را برپا داریم.

نه آمریکا نه روسیه، زنده باد ایرانی مستقل و متکی بخود

حزب رنجبران ایران (بخش تهران)

اخبار نیروهای سیاسی

که متعلق به جناح راست موازنه مثبت بود، حزب توده ایران و انجمنها و تشکیلات متنوع تبلیغاتی بیوند یا فته به آن در مورد نهضت ملی و دکترومدق قضا و تدرستی از خود نشان ندادند. این امر چه در رابطه با وابستگی های این حزب به روسیه چه به علت نا آگاهی سیاسی و عدم ابتکار و چه بواسطه دوری از مردم و فرهنگ جامعه، بگونه جناح چپ موازنه مثبت بکلیت جنبش را شای بخش مردم میهن ما آسیب های فراوانی وارد آورد.

آرمان ملت، در رابطه با فشارهای که در آن زمان از راست و "چپ" بر مصدق وارد میشد مینویسد: "در محنه سیاست جبهه نی، از یک سوانگلستان شکست خورده همگام با آمریکا جبهه خوا رعلیه بنا می ملی ایران در تلاش بودند و "برجسب تبلیغاتی آنها در سرکوبی نهضت ملی ایران "کمونیست" دانستند. آن بود و از سوی دیگر در تبلیغات کمونیستها، دکترومدق بگونه "عامل امپریالیسم معرفی میشد." در حالیکه "دکترومدق برخلاف نظر جناح چپ موازنه مثبت، فقط در خط استقلال ایران گام مبر میداشت." و "بگونه رهبری خستگی ناپذیر، آزادیخواه، استقلال طلب، ... با تحمل همه فشارها، توطئه ها، دسیسه ها از جبهه راست از دوست و دشمن، قامت مردانگی برافراشت... و راهی که ایران بسان پیشگام همه ملت های ستمدیده و زیر سلطه جهان، خواهان بود، در پیش گرفت...."

سازمان پیکار

واعتمادات کارگری لهستان

"سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" به اعتمادات کارگری لهستان برخوردار کرده و آن را جلوه ای از مبارزه بر علیه استعمار در کشورهای رویزیونیستی خوانده است. به اعتقاد این سازمان "مبارزات طبقه کارگر در کشورهای تحت سلطه رویزیونیستها امری مبارک و امید بخش است." ("پیکار" ۶۸).

سازمان پیکار در تحلیل خود از این اعتمادات، دونکتورها (۱- ریشه ها و علل اعتماد. ۲- رد نظریه "سوروی و اروپای

واقعیتی است که در کشورهای رویزیونیست و سرما یه داری اروپای شرقی بنحوی رزی چشم میخورد و علیرغم ادعاهای رویزیونیستها مبنی بر "نهضت سوسیالیسم" دشواری لهستان ... کارگران و زحمات کارکنان این کشورها تحت همان مناسبات استعمارگرانهای بسرمیبرند که در کشورهای سرما یه داری غربی وجود دارد.

"پیکار" سپس به رد نظریه با مصلح اردوگا ه سوسیالیسم "که وسیله ای در دست نوکران روس برای تبلیغ انقیاد طلبی ملی است، برداخته و در این رابطه می نویسد: "اعتمادات کارگران بخشهای مختلف صنعتی و تولیدی و خدماتی در لهستان مشت محکم دیگری بردهان خائنین به ما رکیسم - لنینیسم و دشمنان دوست نمای طبقه کارگر و

انتقاد شدید قطب زاده از جو فرصت طلبی، تملق گوئی و افترا

صادق قطب زاده وزیر امور خارجه ایران در يك مصاحبه تلویزیونی که از کانال ۲ پخش شد نقطه نظر های خود را در باره سیاست خارجی-پاکسازی در وزارت امور خارجه دولت آینده و نهاد های انقلابی بیان داشت .

قطب زاده در این مصاحبه گفت من ۸ ماه است که مسئول وزارت امور خارجه هستم و کارهایی که در مدت بعد از انقلاب در وزارت امور خارجه صورت گرفته است باید مورد مطالعه قرار داد . رابطه ما با کشور ها در درجه اهم اهمیت قرار دارد . علیا سیاسی دنیا باین نتیجه رسیدند که حتی در حالت جنگ هم حداقل روابط سیاسی بهتر است که وجود داشته باشد که اگر حرفی بود اینها بتواند مستقیما با هم دیگر بزنند . این اصلی است که از آن پیروی میشود . قطع رابطه سیاسی کردن يك مقدار شکر است ، از ما انتقاد میکنند که چرا حالا با شبلی قطع رابطه کردید .

قطب زاده گفت این حملاتی که به من شده و میشود نه به سیاست خارجی است که من مسئول آن هستم بلکه بیشتر خواستند از طریق این کار عمل بکنند که چون در وزارت خارجه پاکسازی شده حملات را بمن از آن طریق کردند . من میگویم آنچه که باید بمن بگویند سیاست شفا در فلان کشور خوب است یا بد و رابطه آن در چه حد است و بر چه اساس تنظیم شده ولی اینها را نگفتند . من همین چیزها را میخواستم و با شبلی خود من قطع رابطه کردم هیچکس بمن نگفت .

در آرزو این که کودتای امریکائی صورت گرفته و صد درصد امریکائی است شوروی

بهرترین رابطه را با آنها دارند و حزب کمونیست آنجا تنها حزبی است که دولتش را قبول دارد . همکاری میکند و اسش را میگذارد همگامی انتقاد آمیز حکومت که اگر يك حکومت فاشیستی هم در ایران روی کار بیاید این آقایان حزب توده ای هایك روابط برقرار میکنند و میگویند ما همکاری انتقاد آمیز میکنیم .

قطب زاده گفت امروز مشکل من هست نه سیاست خارجی . زمانیکه من در تلویزیون بودم مشکل من بودم نه تلویزیون حملات به من است . من هم برای اینست که حرف میزنم . این حرفها را نباید زد باید عاقل بود . باید درست عمل کرد . باید کنار نشست . باید قبول داشت و چندتا فامیل داشت که با قدرتها رابطه داشته باشند . اینها را باید داشت ولی من ندارم . من نه فامیلی دارم که با قدرت باشد ، زانم دراز است ، این طرف و آن طرف حرف میزنم . در جلسات خصوصی شدیدتر حرف میزنم و در جلسات عمومی يك کمی ملاحظه میکنم ولی حرفم را میزنم اینها میخواهند نسل من را بردارند و لا خواهی دید

مگر کسی قیلا با وزیر امور خارجه کاری داشت . بد هم در این مملکت جهت دارد به جایی میرسد که هر کسی مطیع تر ، بله قربان گوتر - بی شخصیت تر جلوتر است و اینطور دارد عمل میشود . یعنی بطور خلاصه بگویم گمانیکه قدرت در دستشان است میخواهند کسانی که يك کلام قدرت نداشته باشند حرف بزنند ، بله قربان را کامل بگویند و جلو بروند ، برای اینکه خیلی ما از من سوال میکنند که شما چرا سنگر را خالی میکنید . من آلت نیستم من زندگی هیچوقت آلت نبودم و هرگز آلت نخواهم شدن برای خودم شخصیتی دارم و نمیتوانم تسلیم بشوم . در وزارت خارجه و پیاده

کردن سیاست خارجی هم اصل همین بود که ما ابتکار عمل را درست داشته باشیم و هدفمان از جامعه چیست . این مهمتر است ، هدفمان ایجاد عدالت اجتماعی است . البته عدالت اجتماعی بر اساس این عدالت است . و بهترین بیان این عدالت را در کتب و توجیه بایست که ما در سطح بین المللی میتوانیم جلب برویم و باید جلو برویم ، و اگر وضع داخلی مان مرتب نشود نمیتواند وضع خارجی مان مرتب شود . سیاست خارجی ما میتواند ضعف های داخلی مان را تا حدودی بپوشاند و به صورت مسکن عمل بکند ، ولی نمیتواند حلال مشکلات و علاج مشکلات داخلی باشد بلکه بکس هر چه که ما از لحاظ داخلی قوی تر باشیم امام نگاه کنید که چقدر دقت داشت . شما در طول انقلاب توجه کنید به يك دولت بیخودی به نگفت و کاری نداشت از لحاظ داخلی شخص شاه مخلوع بود فقط حمله را متوجه او کرده بود و از لحاظ خارجی هم به ابرقدرتها . اگر توانستی تا جانی تاگاز را از قدرت بردارید موفق شدید من هم در سیاست خارجی همین حرفها میزنم هدف ما این ابرقدرتها است . خود این ابرقدرتها را باید زد . یعنی وابستگی را به حداقل ممکن رساند ، و مانع دخالت در امور داخلی مان شد که ما انسجام بیشتری بگیریم . ولی الان مسئله گروگان ها و این قبیل مسائل دیگر مشکلاتی است که ما داریم . و ما از هدف اصلی من باشمار دور میشویم . بنابراین تبلیغات میکنند و فکر میکنند که باین تبلیغات قتیبه حل است . و به مردم هم میگویند انقلاب ما در دنیا بیداد میکند . اینهایی که بجامه میگویند دروغ است و خدا شاهد است این جامه آن جامه در زمان حکومت شاه جانی تاگاز نیست مردم خیلی بیدار شدند وقتی که متوجه این ماجراها بشوند عکس العمل شدید ایجاد میشود .

(نقل از کیهان ، ۳ شهریور)

از صفحا اول

آمریکا و اروپا میتوان دید . آندروپوینگ سفیر پیشین آمریکا در زمان ملل همان با اصطلاح "دمکرات" که خود را مزرانه هوادار اعراب و انمود میکرد میگوید : "شعراهای جوانان ما که قبلا پوچ و تو خالی بود اکنون کاملا تغییر کرده یا فته است ، شعراهای آنها اکنون مرگ بر ایران ، ایران را بمباران کنید و غیره می باشد . ما این روحیه توجه به مسائل سیاسی را مدیون خمینی هستیم ، از این نظر خمینی برای ما مقدس است ."

بنابراین تبلیغات موثر هستند و بی آمدهای خطرناکی برای ما مع ما دارند ، از اینرو باید آنها را جو شکاری خود را در برابر ایران افکار سازی امپریالیستی بالا ببریم ، بلکه باید شنید با آن بمقا بله بر خیزیم .

مقا بله با این تبلیغات اصولا با بددرد و جبهه اساسی پیش رود ، اول جبهه تبلیغات خارجی و دوم جبهه عمل داخلی

۱- جبهه تبلیغات خارجی : جمهوری اسلامی ایران میتواند و باید بکس کنسولگریها ، سازمانهای دانشجویی و رسانه های گروهی ایران

۲- جبهه عمل داخلی - تبلیغات

در زمان رژیم منغورشا هکسو لگریها و رسانه های گروهی ایران سالها نه میلیونها دلار خرج تبلیغات میکردند تا ایران را "بهشت برین" و رژیم منغورشا را "موهبت الهی" و مورد تائید مردم جا بزنند ، در مقابل این دستگا ه عریض و طویل کنفدراسیون دانشجویان و سایر دانشجویان مبارز قرار داشتند که بیگیرانه علیه رژیم شاه مبارزه میکردند و افکار عمومی جهان غرب را علیه آن جلب می نمودند و این تبلیغات را خنثی میکردند .

اکنون شرایطی بوجود آمده که کنسولگریهای جمهوری اسلامی ایران ، کنفدراسیون دانشجویان و انجمن اسلامی دانشجویان و سایر سازمانهای دانشجویی می توانند با یکدیگر فعالیت های خویش را در دفاع از جمهوری اسلامی و خلق قهرمان ایران تبلیغاتی آمریکا و خنثی کردن آن بپردازند از سویی دیگر تبلیغ دست آوردهای انقلاب ، واقعیات جامعه کنونی و حمایت مردم از جمهوری اسلامی و رهبری آن دست زده و افکار عمومی جهان را بدفع از جمهوری اسلامی جلب کنند .

سازمانهای دانشجویی خارج از کشور با آن توانمندی و تجربه ای که در فعالیتها و تبلیغاتی دارند باید بیشتر به دادن آکا هیهای لازم به مردم آمریکا و اروپا و سایر کشورهای

بما اعتقاد "پیکار" ، ریشه های اعتصابات و علل آن در کشوری که عنوان سوسیالیسم را بدک میکشد ، رابطه ای تنگاتنگ با حاکمیت مشی رویزیونیستی در حزب ما اصطلاح کمونیست لیستان و دولت و استقرار حاکمیت بورژوازی و مناسبات سرما یه دار ی در این کشور دارند و "علل عمده این اعتصابات تدراسیون بپر حمانه طبقه حاکمه نهفته است" و "نتیجه طبیعی این حاکمیت طبقاتی جز تورم اقتصادی ، بالا رفتن قیمتها و سطح زندگی ، افزایش مالیاتها ، پائین بودن دستمزدها و شرانایط طاقت فرسای کار زندگی تواندها شد ."

"پیکار به دنبال این مطلب می افزاید : "بدیهی است که بزعم رویزیونیستها ، اعتصابات در کشور "سوسیالیستی لیستان" امری غیر منتظره بنظر میرسد و احتمالا آنرا کار خدا انقلاب جهانی و ما ثوئیست ها ؟" می دانند ، اما اعتصاب و مبارزه

جها در مورد مسائل ایران بپردازند محورا اصلی تبلیغات باید جلب حمایت افکار عمومی مردم جهان از انقلاب ایران باشد ، در عین حال لیکه زمینه این تبلیغات افشا و توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران است .

سوء علیه جمهوری اسلامی ایران از ما هیت امپریالیستی آمریکا ناشی میشود ، امپریالیسم توطئه گر آمریکا در هر صورت بهانه ای برای تبلیغات منفی علیه ایران بدست می آورد ، زیرا هدف نهائی آمریکا نه بیان واقعیت بلکه توطئه علیه استقلال ایران است .

اما متاسفانه در حال حاضر در درون کشور با نذا زه کافی غشذای تبلیغاتی برای سوءاستفاده امیر یا لیستی تولید میشود ، این امر مزید بر علت شده و آنقدر اعمال خلاف قانون اساسی توسط گروههای خود کا مه و هر چه و مرج طلب انجام میشود و آنقدر اعمال ناپسند و غیر انسانی بنا م "حکومت اسلامی" انجام میشود که انتشار اخبار آن خود بخود افکار عمومی جهان را در مورد دفاع از انقلاب ایران در مردم میسازد .

تعداد مراکز تصمیم گیری که خود میگیرند می بندند و شکنجه میدهند و اعدا میکنند ، گوناگونی احکام دادگاههای شروع انقلاب ، نبودن یک نظام قضائی که حق هر فردی را بر طبق قانون اساسی محترم بشمارد ، صدور احکام اعدا میهای بی دردی بدون اینکه قضاوت روند قانونی خود را طی کند ، صدور احکام اعدام روزانه و فرار و ان برای عمل زنا و لواط که مورد اعتراض بسیاری از روحانیون صاحب نظر نیز قرار گرفته است ، گروههای فشا ر که تحت حمایت بعضی از پاسداران و افراد کمیتها

دستجات و گروههای دنیالسه و رویزیونیستها ست که با تبلیغ و ترویج در مورد "اردوگا ه سوسیالیسم" کذائی خود ، بر ما هیت استعمارگرانه احزاب و دولتها ی نظیر حزب دولت رویزیونیست لیستان و برده ه سا ترمی افکنند و خدا انقلاب را انقلابی قلمداد می کنند ."

"رویزیونیستها ی وطنی ، نظیر حزب و ریکست شده و کمیته مرکزی سازمان جریکهای فدائی خلق (اکثریت) از سویی ، و جریان مترزلی نظیر "راهکارگر" ، از سویی دیگر ، از جمله کسانی هستند که سنگ به اصطلاح اردوگا ه سوسیالیسم را بسینه میزنند ، اردوگا هی که علیه رسم ایاطیل ارتجاعی دستها ول و یافته های رویزیونیستی دسته دوم ، مبارزه طبقاتی بشدت در آن جریان دارد . مبارزه ای که اعتصابات کارگری اخیر لیستان از جلوه های بارز آن می باشند ."

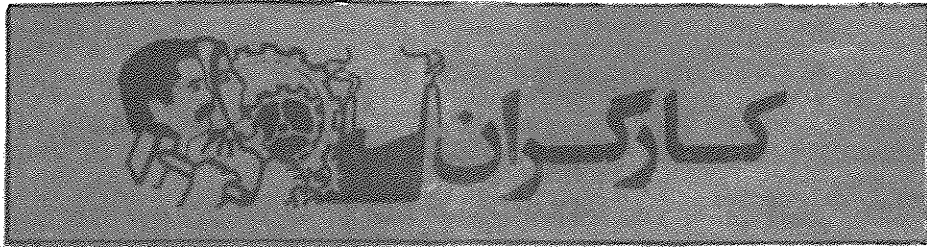
به اعمال غیر قانونی مثل حمله به کتا بفروشی ها ، ضبط اموال مردم و غیره دست میزند ، از جایی ای رویا ز ادارات ، همداینها اعمالی است که امپریالیسم آمریکا با بزرگ جلوه دادن آنها و پوشا ندن دست آوردهای انقلاب سعی میکنند بکول اما م خمینی تبلیغ کنند که مردم ایران "عاقل و بالغ" نیستند و احتیاج به قیام دارند .

این ناراستیها و کاستیهای انقلاب را میتوان هر چه زود تر بر طرف کرد ، نه فقط بخاطر اینکه به دشمنان انقلاب بهانه تبلیغاتی ندهیم ، بلکه در درجه اول به این خاطر که وجود یک جامعه ثبات و منضبط که در آن قانون حکومت میکند ، امنیت قضا قضائی و حقوقی و نظلی برای همه موجود است با یک اقتصاد دنگوفان و بارور ، خود به تنهایی بزرگترین حربه علیه تبلیغات سو و دیگر توطئه های دشمنان است .

وظیفه بسیار سنگینی اکنون بر عهده تمام مسئولین امور قرار دارد جلب حمایت افکار عمومی مردم جهان و درهم شکن توطئه های تبلیغاتی امپریالیسم آمریکا و حفظ انقلاب ایران در صدر کار تبلیغاتی ایران در جبهه خارجی قرار دارد ، این عمل بدون هماهنگی که ما جنبه به عمل داخلی امکان پذیر نیست . بدون تردید ما هماهنگی کامل این دو جنبه و فعالیت لازم است ، این عامل مهم کماکان برای ادامه انقلاب مورد نیاز است .

نامه کارگر کارخانه چیت سازی تهران به رنجبران

کارخانه چیت سازی تهران و کارگران انقلابی آن را در یابید



اخیرا "نامه ای از یکی از کارگران کارخانه چیت سازی تهران دریافت داشته ایم که در این نامه ضمن اشاره به مبارزات کارگران این کارخانه، مختصری از وضع اسفناک کارگران شاغل، احقاقیات دست اندرکاران وزارت کار و مدیریت این واحد تولیدی، شرح داده شده است.

ما ضمن چاپ نامه این کارگر زحمتکش نسبت به جریانات ناسالمی که در این کارخانه میگذرد هشدار میدهیم و عواقب ناگواری که اینگونه احقاقیات در پی خواهد داشت را مستقیما "متوجه آن کسانی می دانیم که با پامال کردن حقوق کارگران، ناچیز شمردن نقش تاریخی طبقه کارگر در انقلاب و ادامه آن و خودسریها و انحصارطلبی های گوناگون، راه خود را بسمت قدرت مطلقه میگشایند و در این راه از قربانی کردن زحمتکشان بیمی به خود راه نمی دهند.

کارخانه چیت سازی تهران، قبل از انقلاب یکی از مراکز پرچوش و خروش کارگری بوده و همیشه مهمترین مسائل و مشکلات کارگران در آن طرح شده و مبارزات فراوانی در آن صورت گرفته است. این کارخانه و کارگران دلیر آن همواره بر علیه احقاقیات ضد کارگری رژیم محمدرضا شاهی فریاد خود را بلند کرده اند. هنوز خاطره آتش کشیدن کودتاچیان ۲۸ مرداد ۳۲ بر روی کارگران این کارخانه از اذهان آنان پاک نشده است. در سال ۵۵ در اوج خفقان و سرکوب رژیم وابسته شاهنشاهی، ۱۷ روز دست به اعتصاب

زدند و با مقاومت و مبارزه خویش بر علیه رژیم مزدور شاه و ساواک و پلیس او، حماسه ای از قهرمانی طبقه کارگر را به نمایش گذاشتند. راهپیمائی معروف به وحدت که از این کارخانه شروع شد و راهپیمائی های دیگر بسمت دانشگاه تهران و منزل مرحوم آیت الله طالقانی فراموش نشدنی است.

کارگران جوان و نیرمندی که از زمان سلطه آمریکائیان در این کارخانه به کار مشغولند، امروز بصورت پیر مردانی فرسوده و مریض همچنان به کار طاقت فرسا ادامه می دهند. دستگاهها و لوازم این کارخانه فرسوده شده اند، ولی با این همه تولید این کارخانه به نسبت دوران طاغوت به دو برابر افزایش یافته است.

علت بالا رفتن تولید، فرمان امام و احترامی است که کارگران به خون شهدای راه آزادی می گذارند و می خواهند که ایران به استقلال برسد و از وابستگی به ابر قدرت های جهان خوار نجات پیدا کند. آری، با وجود کمبود وسایل یدکی و فرسوده شدن ماشین آلات، کارگران این کارخانه تمام توان خود را برای تولید باز هم بیشتر به کار گرفته اند. کارگران این کارخانه به انقلاب اسلامی چشم دوخته اند و منتظر فرجی از این انقلاب بوده هستند تا به وضع بد کارگران و کارخانه سر و سامانی به بخشد.

اما دعوای های حاکمین و انعکاس آن در کارخانه ما وجود دارد. نمایندگان حاکمین و بویژه انحصارطلبان تمام زحمات کارگران را در بالا بردن تولید به حساب خود می گذارند

و روز به روز امکانات رفاهی بیشتری برای خود قائل شده و کارگران را ناامیدتر می نمایند. ولی کارگران با خود پیمان بسته اند تا با احترام گذاشتن به پیام امام و خون شهیدان و رسیدن به ایران مستقل از ابرقدرتها، تلاش خود را لحظه ای کم نکرده و بر مبنای بیان تاریخی امام که گفته اند: "اداره امور این مملکت باید بدست کارگران باشد"، شروع به از بین بردن روابط طاغوتی نمایند. این روابط طاغوتی بطور مختصر عبارتند از: حیف و میل دستمزد ناچیز کارگران، بیت المال، سودویزه کارگران و ندادن حق و حقوق قانونی کارگران از جمله طبقه بندی مشاغل و بازنشستگی. افزایش فشار بر کارگران بیمار و زنان کارگر و پامال کردن حق و حقوق این زنان زحمتکش، البته لازم به یاد آوری است که شورای کارخانه بعلت بی اطلاع بودن از علم مدیریت و بی اعتمادی به کارگران و سستی در حل مشکلات کارگران، آهسته آهسته از جانب مدیریت کارخانه سر بر آورده و بر علیه کارگران وارد عمل میشود.

سال ۵۸ به پایان رسید و تولید دو برابر شده بود و کارگران از ماهها قبل حساب سود ویژه خود را می کردند ولی به هنگام تقسیم سود ویژه که هشت میلیون تومان بود، حدود ۲ میلیون تومان آن تقسیم نشد و وقتی کارگران برای کسب حقوق حقه خود خواستار توضیح مسئولین شدند، هیچ مقام مسئولی در کارخانه برای پاسخ به کارگران پیدا نشد. کارگران از بی توجهی مسئولین خشمناک شده بودند و در مجمع عمومی خواهان اخراج این مسئولین بی مسئولیت و ضد کارگر شدند ولی آنان که از

مبارزه کارگران لرزه بر اندامشان افتاده بود، توطئه ای را طراحی کرده و آنرا بر علیه کارگران به اجرا در آوردند.

و اما توطئه، تقریبا "نیم میلیون تومان از ۲ میلیون باقیمانده سود ویژه را بین کارگران تقسیم کرده و سپس طی اعلامیه ای ۱۳ تن از کارگران را بنام اخلاک و کسانی که شعارهای ماوراء چپ؟! مطرح کرده اند، از کارخانه اخراج کردند. کارگران اخراجی که با این توطئه از کار بیگار شده بودند به مقامات مسئول مملکتی از جمله وزارت کار، دفتر ریاست جمهوری شکایت کردند و در تمام این مراجع رای بر حقانیت آنان داده شد ولی مدیریت کارخانه با استفاده از جماع محمدرضا شاهی و ضد کارگری ماده ۳۳ قانون کار، از بازگشت آنان به سر کار جلوگیری کرد و باین ترتیب به تمام نهادهای مملکت دهن کجی نمود. آفرین بر وزیر کار که علیرغم خواست همه کارگران ایران، ماده ۳۳ قانون کار طاغوت را از جان عزیزتر می دارد.

به این ترتیب ۱۳ خانوار کارگری در شب عید با دلی خونین از این همه بیعدالتی در حکومت اسلامی، به استقبال سال ۵۹ رفتند و کارگران شاغل نیز تا آنجا که در توانشان بود از کمک های مادی و معنوی به این همزنجیران اخراجی خود کوتاهی نکردند و ضمن محکوم کردن این توطئه خود را در این جریان همسرنوشت کارگران اخراجی می دانستند.

کارگران امیدوار بودند که در سال ۵۹ تمام گرفتاری های کارگری از بین برود. ولی با شروع سال ۵۹ نه تنها اینگونه مشکلات و احقاقیات، ستم ها... کم نشد، بلکه افزایش هم یافت. سود ویژه بکلی قطع شد، ماده ۳۳ ضد کارگری به جای خود باقی ماند، گرانی زندگی بیشتر شد، وضع بهداشت کارگران هم بدتر از گذشته گردید.

بدران پیر، این کارگران زحمتکش که

دیگر توانائی کار کردن ندارند، از ترس اینکه مبادا باز نشسته شده و زیر بار کمر شکن مخارج زندگی نتوانند مقاومت بکنند و پیش زن و بچه خود خجالت بکشند، همچنان بکار طاقت فرسا در رطوبت ۸۰ درجه و فرکانس صدای ۱۲۰ درجه و گرمای ۳۵ درجه و گرد و خاک فراوان، مشغولند. احقاقیات بیشتر شده و تمام کارگران پس از اطلاع از حیف و میل مدیریت در بیت المال به خشم آمده اند. شورا و مدیریت بر سر دست رنج کارگران با یکدیگر در جدالند و در این میان تنها کارگران هستند که در بدترین شرایط به تولید پرداخته اند و کسی به مشکلات رفاهی آنان توجه نمی کند و نوسازی کارخانه هم که اغلب دستگاههای آن فرسوده است، بدست فراموشی سپرده می شود.

در حال حاضر برخی از مهم ترین خواسته های کارگران کارخانه چیت سازی تهران بشرح زیر است که باید هر چه زودتر نسبت به آن اقدام نمود.

- ۱- لغو فوری ماده ۳۳ قانون ضد کارگری که خواست کلیه کارگران ایران است.
- ۲- شرکت مستقیم کارگران در تدوین قانون کار.
- ۳- روشن شدن وضع تشکیلات کارگری.
- ۴- رسیدگی فوری به وضع بی سرو سامان بازنشستگی و اجرای طبقه بندی مشاغل.
- ۵- رسیدگی فوری به وضع اسفناک بیمه و مسکن کارگران.
- ۶- کم کردن ساعات کار کارگران کارخانه های که در رشته های سخت مانند:
- ۷- ریسندهی، معدن و غیره کار می کنند. پرداخت حداقل چهار ماه حقوق کامل بجای سود ویژه.
- ۸- رسیدگی فوری به احقاقیات وحیف و میل مسئولین دست اندر کار در کارخانه چیت تهران.

دره دل های يك کارگر چوب بر با رنجبران

۱۰ ساعت کار می کنم و

کشاورز منطقه، در تاریخ دوشنبه ۲۳ تیرماه به استناداری فارس مراجعه کرده اند.

در صحبتی که با چند تن از آنان داشتیم آنها گفتند که "حدود ۴۰۰ هکتار از زمینهای عزیزالله خان قوامی - فتوآل طاغوتی استان فارس، اموال مردم است. کلمه متعه، شاد، ساد،

فارس:

او حگیوی حنشرهای دهقانی

برای گرفتن زمین و

تقسیم اراضی مالکان بزرگ و فقودالها

مشهد مرغاب

جهاد سازندگی دسترنج

دهقانان را کجا می برد؟ یکسال دسترنج ۸۰ نفر از دهقانان فقیر و زحمتکش مشهد مرغاب به وسیله جهاد سازندگی برده شده و مقامات مسئول تا به حال هیچگونه رسیدگی نکرده اند. زمین این دهقانان حدود ۱۰ هکتار از زمینهای اطراف مقبره گوروش در مشهد مرغاب است که در زمان رژیم سابق به زور از صاحبان آنها اقرارمتری ۵ ریال (!!) گرفته شده و به عنوان محدوده ای مقبره، لم یزرع رها شده بود. این زمینها بعد از انقلاب بر طبق رهنمود امام، توسط صاحبان اصلی آنها کشت شد و در آن گندم و جو کاشته اند. لیکن هنگام برداشت محصول، نماینده سپاه پاسداران ارسنجان آمده و گفته که "این زمینها مال جهاد است و شما تصرف عدوانی کرده اید!" آنها نگذاشته اند که دهقانان محصولشان را برداشت کنند. دهقانان هم با اینکه عملاً هیچ راه دیگری برای گذران زندگی خود ندارند، لیکن برای جلوگیری از ایجاد درگیری و هرج و مرج، در مقابل سپاه پاسداران و جهاد سازندگی کوتاه آمده اند و در مقابل، جهاد هم نامردی نکرده و تمام محصول را بار کرده و برده است! جالب اینجاست که دهقانان حاضرند حتی "پولی" را که در اراضی زمین از دولت گرفته اند پس بدهند ولی با مزاحمت "مسئولین" روبرو نشوند.

لازم به یادآوری است که بغل این زمینها، محمدخان ضرعامی - فقودال بزرگ و رئیس ایل باصری ۲/۰۰۰ هکتار زمین دارد و تا کنون حتی یکبار هم با مراجعه و تعرض سپاه پاسداران و جهاد سازندگی روبرو نشده است!

نیدون

بنیاد مستضعفین نباید جای عزیز الله خان قوای را بگیرد!

حدود ۳۰ تن از کشاورزان "سیدون" به دنبال اختلاف با "بنیاد مستضعفین" و پیگیری خواست خود مبنی بر حرق استفاده از برداشت محصول خود، به نمایندگی از طرف ۱۲۰ خانوار

فراری کشت نموده و گندم و جو کاشته ایم. الان گندم و جو را درو کرده و کمباین زده ایم. ولی "بنیاد مستضعفین" نمی گذارند از محصولمان استفاده کنیم. "بنیاد" گفته است که ۴۰ درصد محصول باید برای "بنیاد" باشد و ۶۰ درصد برای ما ۱۲۰ کشاورز! ما تمام مخارج کشت را داده ایم و به مدت یکسال روی این زمینها زحمت کشیده ایم و حالا با این حساب چیزی دستمان را نمیگیرد. اینها اگر راست می گویند یکساعت بیاوند جای ما کار کنند، ما نه زمستان داریم و نه تابستان! حالا هم نامهای از طرف رئیس جمهوری برای استانداردی آورده ایم و حاضریم که "بنیاد" کلیه مخارج کشت را بدهد و بعد ۴۰ درصد برای خودش بردارد و ۶۰ درصد به ما بدهد!

جالب اینجاست که یکی از نمایندگان کشاورزان در پی گفتگوی لفظی با مهندس حسینی عضو "بنیاد مستضعفین"، بازداشت شده و در حال حاضر در کمیته مهدیه زندانی است. کشاورزان می گویند: "حکم آزادی وی را سپاه داده ولی رئیس کمیته امضاء نمی کند. آخر مگر او قاتل است؟ دزدی کرده؟ جز اینکه حق خودش را مطالبه کرده است!"

این کشاورزان در مورد مالکیت این زمین می گویند: "در زمان طاغوت با فشار و پیگیری ما، حدود ۹۰ هکتار از زمینهای عزیزالله خان قوامی بین ما ۱۲۰ نفر تقسیم شد که عملاً کفاف زندگی ما را نمی داد و مجبور بودیم به عنوان رعیت روی زمینهای او کار کنیم. حالا ما خواستار تقسیم این ۴۰۰ هکتار زمین بین خودمان هستیم. به هیئت ۷ نفری هم رجوع کردیم و آنها قول داده اند که پس از حل اختلاف ما با "بنیاد" زمینها را بین ما تقسیم کنند...."

تصحیح و پوزش

در "رنجبر" ۸۰، گزارشی بود تحت عنوان: "کارگران اخراجی فارس چوب در دفتر رنجبر". برابر اطلاع، این کارگران بدفتر "رنجبر" نیا مده بودند و گزارش مذکور در تماسی که کارگران فارس چوب با خبرنگار "رنجبر" در شیراز بعمل آورده بودند، تهیه شده است. کسه ضمن پوزش، بدینوسیله تصحیح میگردد.

من حسین جعفری اهل یکی از روستاهای اطراف آمل و از یک خانواده کشاورز میباشم. سن من ۲۰ سال میباشد و از زمانی که یسادم میاید کار میگردم و نیروی کارم در اختیار دیگران بود. چندسال پیش نزدیک استاد نجار کار میگردم و وظیفه صحبتی که با پدرم داشت قرار شد که من نزد استاد بدون مزد کار کنم تا شغل نجاری را یاد بگیرم و استاد ششم.

استاد نجار در ارتباط با کار من، دست خطی نیز از والدین من گرفت. استاد دبیرترین کار را از من میکشید و روزانه ۱۴۰۰ الی ۱۶۰۰ ساعت کار میگردم و فشار زیادی بر من وارد میشد. خلاصه چون دل پر خونی از او داشتم با او دعوایم شد و من هیچگونه ادعایی نمیتوانستم بکنم چون او از والدین من دست خط داشت و بدون آنکه پولی بمن بدهد، از من سود میبرد.

پس از مدتی در یک چوب بری

برای خودکاری دست و پا کردم و فعلاً مدتی است که در این کارگاه مشغول کار میباشم. روزانه ۱۰ ساعت کار میکنم و در قبال آن روزی ۳۰ تومان حقوق میگیرم و این مرد در مقابل کاری که انجام میدهم، خیلی ناچیز است. از دفترچه بیمه و خدمات پزشکی خبری نیست و کار فرما تاکنون از این کار خودداری نموده است. اگر کوچکترین مریضی سراغ ما آید قدری در به پرداخت هزینه های دکتر و دوا نیستیم و باید به امان خدا باشیم، تا چه بر سر ما بیاید.

خواسته من این است که به وضع ما سر و صورتی داده شود. باید بمدت قانونی یعنی ۸ ساعت کار را از ما انتظار داشته باشند. باید وضع بطوری باشد که اینقدر از ما بهره کشی نکنند و بر مبنای کار ما به ما مزد بدهند. باید بیمه شویم و از وسائل زندگی بهتر برخوردار گردیم.

آمل - حسین جعفری

کارکنان اتوبوسرانی شیراز اعتصاب کردند

رانندگان و کمک رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی شیراز از صبح روز چهارشنبه ۲۹ مرداد، به عنوان اعتراض به اخراج یکی از اعضای شورای رانندگان توسط هیات مدیره شرکت و عدم توجه به خواسته های آنان، دست به اعتصاب زده و مانع از خروج اتوبوسها از محل توقفگاه شرکت شدند. علت اخراج عضو شورای کارگران، درگیری وی با رئیس بهره برداری خطوط بوده است.

هیات موسس سندیکاهای کارگری کرمان:

اعتراض به سخنان وزیر کار

هیات موسس سندیکاهای نمایندگان کارگران استان کرمان، در نامه گشادهای به سخنان وزیر کار در مورد "عدم احتیاج به سندیکاهای کارگری" (!) اعتراض کرده و آنرا "اعمال نظر شخصی" و "خلاف قانون اساسی" خوانده است. وزیر کار اخیراً در یک مناظره تلویزیونی گفته بود که: "من گمان می کنم که با وجود شوراها دیگر احتیاجی به وجود سندیکا نباشد." (!)

این حرف با اعتراض کارگران روبرو شده و این نامه هم جزئی از این اعتراض است. در بخشی از این نامه که در روزنامه کیهان، پنجشنبه ۳۰ مرداد چاپ شده، آمده است: "تداخل وظایف و مخدوش نمودن مرز شوراها و سندیکاهای کارگری که هر یک از آنها دارای ترکیب، حقوق و وظایف خاص خود هستند، تضییق حق مسلم کارگران و ایجاد ابهام در وظایف شوراها و سندیکاهاست. چه در قانون اساسی تکالیف شوراها و سندیکاهای کارگری بعنوان دو نهاد در دو اصل جداگانه با وضوح یادآوری شده است."

هیات موسس سندیکاهای نمایندگان کارگران استان کرمان در نامه خود از وزیر کار خواسته است که این سخن خود را توجیه نمایند.

مردم لهستان و مخالفین رژیم

لهستان از زبان لهستانیها

حاکم درباره اوضاع جامعه، بوروکراسی حاکم، وضع زندگی و کارزحمتکشان، جنبش کارگری و اهداف آن، سیاست شوروی، کلیسا و غیره سخن میگویند

سازمان «پیکو» کارگران و مردم لهستان برای رفاه و آزادی و استقلال، علیرغم تیرنگی و مقاومت ارتجاع و تهدید به سرکوب پلیسی و مداخله نظامی شوروی، همچنان بدبیش میروند و هرروز کارخانه‌های جدیدی را در برمیگیرند و با حمایت روزافزون خلقها و نیروهای آزادیخواه جهان روبرو میگردد. این سازمان، همانطور که ما در شماره‌های پیشین «رنجبر» به تفصیل توضیح داده‌ایم، دارای اهمیت ویژه‌ای است زیرا در سه بعد فدراسیون، اقتصادی، سیاسی و فداکاریهای سیاسی (علیه سوسیال امپریالیسم شوروی) حیات دارد. کارگران آگاه لهستان با هشیاری تحسین انگیزی این سازمان را با هم تلفیق داده و بیرونی‌های مهمی بدست آورده‌اند. این سازمان برای پروتکتاریا و خلقهای سراسر جهان و از جمله برای طبقه کارگر و خلق قهرمان ایران آموزنده است. ما برای آشنائی بیشتر خوانندگان ایرانی با جنبش لهستان چارستد زیر را در این ویژه‌نامه درج میکنیم.

«در لهستان، قانون کار فقط روی کاغذ موجود است»

میکنند. در اینجا مصادقات و نجات یک کارگر معدن را به نام "ولادیسلاو سولکی" می خوانیم. این کارگر که خدمت ۲۰ سال در معدن مختلف لهستان را کرده است، در سال ۱۹۷۸ کمیته‌ای با تفاتی سایر کارگران برای ایجاد دستگاهی مستقل در کار تویج بوجود آورد. لکن مورد آزار و تعقیب سازمان امنیت و اداره معادن فرا گرفت و سرانجام ناگزیر تبعید اختیار گردید و هم‌اکنون در آلمان غربی بصری بزد. مصادقات و نجات روی آرزوی واقعیت مخوف است. شما روستم و کشتا رکارگران معدن لهستان توسط دولت فاشیستی برده بر میدارد.

* ۵۰ درصد کارگران مبتلا به سلیکوز هستند.
* دولت معدنچیان را حتی روزهای تعطیل به کار می‌گذرد
* یک معدنچی ۴۰ ساله از نظر قوای بدنی داغان است.

پای صحبت یک کارگر معدن

در ماه اکتبر ۱۹۷۹، در جریان چهار هفته در مراکز مختلف معدنی ناحیه سیلزی، که در تاریخهای ۱۴، ۱۵، ۲۱ و اکتبر رخ داد، در مجموع ۶۵ کارگر گزیده شدند. این سری انفجارات که بزرگترین فاجعه معدنی ناحیه سیلزی بشمار میرود، ناشی از شرایط مرگبار و وحشیانه‌ای است که دولت سرمایه‌داران لهستان به کارگران معدن تحمیل

در معدن، شعار حزب این بود: جداگرا استخراج بدون در نظر گرفتن شرایط کار و قانون کار در زمینسه بهداشت و امنیت کارگران. در لهستان قانون کار فقط روی کاغذ موجود است... آنجا که اجرای طرح مورد تهدید قرار دارد، مواد قانون کنار گذاشته میشوند.

میکنند.
* کار خردن و خوابیدن
من ارتقا دقیق در دست ندارم ولی میدانم که بسیار رند معدنچیان که در بهترین ایام زندگی خود با مقرری ما هانه‌مانا به دلیل خانه نشینی می‌شوند. یک معدنچی چهل ساله از نظر بدنی داغان است.

زندگی خانوادگی معدنچیان که یکشنبه و روزهای جشن کار میکنند فلاکت با راست. معدنچی تنها در یک ماه تعطیلی سالانه خود فرصت زندگی کردن می‌یابد. در تمام طول سال با زنده‌ها دیگر، تنها کاری که میکنند کار کردن و خفتن است. همین امر برای تکنسین‌ها و مهندسی معدن صادق است. آنها نیز با تمام ریزش‌ها تا زنده‌ها و محروم قرار دارند... غالباً یک معدنچی عادی دوبرابر دیگر کارگر عادی مزد دریافت می‌کند، لکن سلامتی نا بود می‌شود و اگر کارگر عادی جوانتر می‌میرد، معدنچیان لهستانی میانه‌اند که سلامتی خود را در ازای مزد بیشتر می‌فروشند... چندین بار کارگران بیمه در جریان کار در اعناق معدن از برای در آمدند، در چند مورد معدنچیان در اثر سکته قلبی درگذشتند.

تجربه شخصی من به من اجازه میدهد بگویم که شرایط کار رخیلی بیتر خواهد شد اگر بنا بر چه مفاسد مقرراتی را که خود سال گذشته در مورد امنیت کارگران وضع کرده‌اند

* بیماری سلیکوز: ... بر اساس مصادقاتی که من آنجا داده‌ام، در بخش دوازدهم معدن "گلیویچ" از هر دو معدنچی یک نفر (۵٪) مبتلا به سلیکوز است. تجهیزات فنی این معدن بد است، لکن از این نوع تنها معدن نمونه‌ها در جهان نشان داده میشوند.

* ساعات کار: از جمله بیمه ریختنی معدنچیان به آن مبتلایند، من بیمه ریختنی معدنی ناشی از تغذیه بد، انواع روماتیسم و بیماریهای قلبی ناشی از شرایط بدکار و وحشی دائمی را ذکر میکنم.

قانون کار قید می‌کنند که با پرداخت قانونی کار ریختنی ۴۶ ساعت در هفته (۴۰ ساعت برای جاها که ۳ شیفتی کار میکنند) رعایت شود. قانوناً مقدار ساعات اضافی که کارگران ساعت در سال نباید بیشتر باشد. لکن در عمل مفاسد مدیریت معادن این مقررات را کاملاً نادیده می‌گیرند. معدنچیان بلاوقفه کار میکنند، حتی روزهای یکشنبه (تعطیل هفتگی) و روزهای جشن را. در سالهای ۷۹-۱۹۷۸ معدنچیان موظف بودند ۶ تا یکشنبه را در سال کار کنند. مفاسد لیستی بدین منظور تهیه می‌کردند، ظاهراً دا وظیفی بود ولی هر کس قبول نمیکرد اسمش در "لیست سیاه" نوشته میشد و بکار سخت تروکم در آمدن تر فرستاده

نمی‌توانند در برابر کشورهای سرمایه داری بزرگ برنده خود را که همان سیاست تساوی طلبی است در زمین بزند. از نظر افکار عمومی امتیازات مالی یک واقعیت سیاسی است. همه میدانند که ۸۰٪ روسای کارخانجات عضو حزب اند و ۶۰٪ اینسنان در ارگانهای رهبری حزبی جای دارند. عدم تساوی سیاسی توسط متهم جدید قانون اساسی جنبه قانونی یافته است. امتیازات اعضای دستگا‌های حزبی و سایر گروههای سیاسی "متحد" حزب تقریباً در تمام زمینه‌ها مشهود است. از جمله در مفاسد میهای میدارد

عدم مساوات در ارتباط با اعمال قدرت سیاسی است. در اینجا مساله امتیاز بولی نیست بلکه امتیازات متعددی است که با بستهای مختلف سلسله مراتب حکومتی همراه است.

* خطراتی که در کمین ما است
بحران کنونی، کشور را در معرض همه‌گونه خطرات قرار میدهد: لهستان از نقطه نظر استقلال ملی از دو جانب در معرض خطراتی است. از جانب تضعیف قوا پیش و از جانب وابستگی اقتصادی روزافزون به

گزارش گروه «آزمون و آینده» درباره اوضاع لهستان و راه سالم سازی آن

«ما تنها از ظواهر سوسیالیسم بر خورداریم»

امالی در اشغال فکری ظاهری هستند و خلاصه شما مظلومان هر دو دولت و سوسیالیسم را داریم. ما دارای یک

گروه «آزمون و آینده» یک گروه مخالف رژیم است که گزارش زیر را بر اساس مکاتبات اعضای خود تنظیم کرده است (دولت اجازه



یک زن کارگر با شوهر اعتصابی خود در کشتی سالی لنین در دانشگاه ملاقات میکند

است. ولی در معادن و در کارخانه‌ها، کارمندان حزبی حکومت می‌کنند. (ارتشیه، "آلترناتیو"، چاپ پاریس)

اجرا می‌یابد. لکن مفاسد بسیار به نفعای حزب ترجیح میدهد که جاسوسی کارگران را کنند. در لهستان قدرت کارگری در روزنامه‌ها موجود

بیمارانی که در راه هرویدما رستا نجان می‌سیرند، بسیار در دبیرستانها به گرات به بیمه ریختنی و اکبری مبتلا می‌شوند و در صد مرگ نوزادان به حد خطرناکی رسیده است. لکن، از سوی دیگر، مراکز لوکس برای فخرمندان وجود دارند مانند کلسیک جدید و روت-بهداری در شهر "آسین"، امروز از مدای و ای محالی که از دست آورده‌های لهستان سوسیالیستی بود چیزی نیست. برعکس، برای مداوا یا قبول داشت و یا رفتی و یا بگذرد و بند کرد. با دیدن ترساران و بیگان

* وضع بهداشت اهالی

تشکیل کنفرانس و برگزاری اجتماع در آن
این جمعیت داد (این گزارش دارای ارزش
سندی فراوانی است و ما در اینجا فقط
بخش بسیار کوچکی از آنرا نقل میکنیم .

سوئیس و واقعی و ظواهر آن

"در لیستان، ما دارای طبعی های
ظاهری هستیم و جراحی های ظاهری
و حتی ظاهری ها را به سمت سر
می گذاریم . ما به موفقیت های ظاهری
در صنعت و فرهنگ و علم و آموختن و بیرون
دست می یابیم . ما دارای صورت
مجلس های ظاهری و دارای مباحثات
ظاهری هستیم و برای گیریه و امتحانات
ظاهری داریم و مقامات ما برای رفاه

یک اخلاق، یک تجده خواهی و یک
بیشرفت ظاهری داریم . ما مراسم
ظاهری و با شکوهی را برای افتتاح
کارخانجات ظاهری با تمام رسیده
برگزار می کنیم و ما رده های ظاهری را
علیه بلبله اجتماع می به پیش می بریم
و از رفاییت خاطر ظاهری همه اهالی سر
خوردیم و غیره . با زی ظواهر سردر
حدی است که حدی حتی عالیترین
مقامات کشوری، دیگران را واقعیت سر
در نمی آورد ."

قشر بندی جامعه

در طول دهه اخیر، جامعه لیستان
بطور قطعی قشر بندی شده است:
اختلاف میان دستمزد ها امروزه سه
نسبت یک به ۲ است . رژیم دیگر

مصاحبه با «یاجک کورون» سخنگوی اصلی معترضین لیستانی

«جنبش کنونی، سر آغاز یک
جهت گیری نوین کارگران است»

جنبش کنونی نتیجه فعالیت
سیاسی عناصر آگاه از سونی
و تجارب متعدد کارگران
از سوی دیگر است .

تنها راه خروج از بحران، حق شکل آزادانه کارگران است.

یاجک کورون رهبر کمیته های اعتصاب ،
مصاحبه ای را اندکی قبل از آنکه در ورشو
توسط پلیس با تفاق ۲۰ تن دیگر از یارانانش
دستگیر شود انجام داده است . او و آدام
میشنیک که هنوز در بازداشت بسر میبرد
بخاطر فعالیتهای خود در راس "کمیته دفاع
از خود اجتماعی" که عیدتا شامل بخش اخبار
مبارزاتی در داخل و خارج از کشور میشود ، از

محبوبیت فراوانی در لیستان برخوردارند.
مصاحبه زبرد مجله آلمانی شپگل
و مجله فرانسوی نول ایسرواتور
درج گردیده است .

سوال: بحران گذشته کارگران
این بار به شورشیایی خیا بانی دست
نزدند، چرا؟

جواب: این امر از طرفی ناشی
از کار سیاسی نیروهای ضد حکومتی
در چهار سال اخیر است . ما دانستیم
گفته ایم و نوشتیم که با بیداری حقانی
حقوق خود در درخیا با تنها بلیگه
در کارخانه ها مبارزه کرد . روزنامه
غیرتونی "روسوتیک" (کارگر)

مصاحبه با جرزی لیدویک ، سردبیر ماهنامه «کولتورا»

« آنچه در لیستان میگذرد
محصول شجاعت خلق است »

امروز هیچکس به رژیم آیدمی
ندارد .

در صورت حمله شوروی ، لیستانی ها بدون شک خواهند جنگید

جرزی گیدروویک سردبیر ماهنامه
لیستانی کولتورا است که مدت ۲۲
سال است در پاریس چاپ میشود و در
سراسر جهان و بطرز مخفیانه در کشور
لیستان منتشر میشود . مجله فرانسوی
لوپوان مهاجم های با سردبیر این
ماهنامه ترتیب داده که بخشهایی

از آنرا بلحاظ اهمیت در زیر
می آوریم :

سوال: آیا شما از وجود یک رهبری
مرکزی اعتقاد بیون مطلق اید؟

جواب: خیر ، این یک جنبشی
است که در عین حال خودجوش و هم
آهنگ است . . . در حال حاضر ۴۷ نشریه
غیرقانونی مخفیانه در لیستان
چاپ میشود . بعنوان مثال "روسوتیک"
(کارگر) پنجاه هزار نسخه تیگراژ
دارد و بنا بر این زور آزمائی کنونی
زمینه هم اقتصادی و هم سیاسی دارد .

سوال: آیا شما فکرمی کنید
شوروی دخالت میکند؟

جواب: در حال حاضر بنظر من
غیر محتمل است به چند دلیل . اول آنها
در افغانستان گرفتار شده و این

در دستمزدها ، در سینه دوده ، در امور
بهداشتی ، در آموزش و پرورش ، در
مسافرتها ی خارج والبتدر موضع
نیل به مدتیچ قدرت ، در طول دهه
۷۰ و ۸۰ پیش ظهور یافته است . توجه
قشر مستاز و تحکیم مکانیزم موروثی
بودن امتیازات

"ورسکتگی سیاست اجتماع
دولت با یک مقایسه هویدا میشود:
سرمایه گذاری در زمینه های که به
غلط غیر تولیدی نامیده میشود ،
مانند آموزش و پرورش ، بهداشت ،
کمکهای اجتماعی ، استراحت و ورزش
اهالی از ۲۵٪ در سال ۱۹۶۰ به
۱۹٪ در حال حاضر تنزل کرده است .
احساس عمومی مردم از رژیم ، احساس
بی عدالتی و عدم مساوات است .
آنچه که مردم نمی توانستند قبول کنند

که در مقابل کارگری وسیعاً خواننده
می شود . تا تیرمهمی در این زمینه
بجای گذاشت ، از طرف دیگر این امر
ناشی از تجارب خود کارگران است
که در سالهای ۱۹۵۶ و ۱۹۷۰ مبارزات
انفجاری و خونین انجام داده که به
فیصت جان تعداد زیادی از کارگران
نشان شد .

سوال: آیا حزب کمیته های
کارگری را که تقریباً نونی هستند از طریق
مذاکره به رسمیت شناخته است؟

جواب: حزب ناگزیر آنها را به
رسمیت شناخت زیرا قادر نبود آنها
را نادیده بگیرد . ولی روشن است
که از دید در آمدت خود هادکوشید
کمیته ها را کنار بزنند . حزب همواره
خواهد کوشید مانع هرگونه شکل غیر
قابل کنترل کارگران شود . . .

سوال: آیا به خطر مداخله
اجتماعی برادر بزرگ اعتقاد دارید؟
جواب: من فکرمی کنم که روسها
فقط موقعی دخالت خواهد کرد که
خطر سرنگونی قهری نیروهای حاکم
پیش بیاید . من امیدوارم که خلق
لیستان طوری خود را سازماندهی
کند که روسها چنین تصمیمی اتخاذ

سوال: گیرک چه میتوانند بکنند؟
جواب: با مکانات وی بسیار
محدود است . اولاً در درون حزب با
مخالفت بسیار روبروست ، مانند
همیشه کسانی هستند که به مقام وی
حسادت می کنند ، ثانیاً حکومت
دستخوش هرج و مرج غیر قابل تصویری
است . در مورد قوای ضد شورشی
(میلیتیا) ، این قوا اولاً قادر به
سرکوب یک قیام واقعی نیستند و
ثانیاً مورد تعارضت اهالی اند .

در مورد ارتش ، چند روز پیشتر مهمات
در اختیار رندار در زیر روسها نسبت به
ارتش لیستان ظنین اند ، بنا بر این
عملاً قادر به سرکوب کارگران نیست
و انگیزی از تیراندازی بیرونی آنان
خودداری خواهد کرد . . .

سوال: آیا شما فکرمی کنید
شوروی دخالت میکند؟

جواب: در حال حاضر بنظر من
غیر محتمل است به چند دلیل . اول آنها
در افغانستان گرفتار شده و این

سورسیه - روسی
بخاطر گندیدن آهنگ رشد اقتصاد در
وبخاطر طر قیوط سطح زندگی مردم در
معرض خطر قرار دارد ، از این با فعال
دولت و روابط استنما رگرا نه و بنا
برای برانه ای که جدالهای اجتماع
را تشدید میکنند در خطر قرار دارد ، از
بابت کارهای تشدید میزان موالید
و انحطاط وضع بهداشتی مردم و
بیشرفت سطح فرهنگ و آموزش و پیش
از همه از این بحران اخلاقی و سیاسی
دانم التزام بدهند می شود .

در رابطه با خطرات فوری گاهی
سطح زندگی که توسط دولت برای دو
سه سال آینده پیش بینی شده میتواند
صبر اهالی را بر سر آورد . . . در این
حالت هر جدال اجتماعی می تواند
به اعتمادات ، به تعارضات و حتی به

نکنند ، این احتمال فقط در صورت
وقوع یک انفجار داخلی تحقق خواهد
یافت . در این حال ما با تکرار
وضعیت پراگ روبرو نخواهیم بود
بلکه با وضعیت افغانستان مواجه
خواهیم بود . با شرایطی ما نشد
بودا بست ۱۹۵۶ . لکن ما همه امکانات
خود را بکار می بریم تا چنین احتمالی
بوقوع نیبوند .

سوال: به نظر شما تکامل و
چگونه خواهد بود؟

جواب: جنبش اعتصابی تعیین
کننده است و کسی نمی تواند آنرا
متوقف سازد . این جنبش با شدت
کم و بیش ادا خواهد یافت ، در این
مسئله اعتمادات با لا خواهد گرفت ،
بنظر من تنها راه خروج از بحران
اینست که به کارگران امکان داده
شود بظرف آزادانه متشکل شوند . به
مخاطر اینکه سندیکا های جدید بر اساس
انتخابات آزاد و بیطرفانه دیگران
بوجود آیند ، اوضاع از نظر کیفی
تغییر خواهد کرد . آنها لی حاضرند
در صورت تصمیم کارگران ، قریبانی و
انواع مضیقها را بپذیرند . جنبش

خودش خیلی زیاد است . ثانیاً روسها
نمیخواهند دعوی خود را با غربی ها
شدیدتر کنند . اگر نبرد در لیستان
صورت بگیرد یک قیام ملی واقعی
بهمراه می آورد و این منجر به یک
بحران جهانی میگردد . . . لیستان
مانند چکسلواکی نخواهد بود .

ما عادت کرده ایم تنها
بجنگیم و بدون امکانات . مهم این
است که رهبران شوروی این چیزی
را که من بشما میگویم بخوبی میدانند .

سوال: کلیسا چه خواهد کرد؟
جواب: کلیسا جنبش را ترمز
میکند و در عین حال از آن حفاظت
میکند . کار دینال ویشینسکی از
دخالت شوروی همانقدر میترسد که

ادوار دیگر . هر دو این مداخله
را غیر محتمل میدانند ، اما نه غیر
ممکن . بدین خاطر ، سران کلیسا
تا حد ممکن متعادل خواهند بود . اما
کشیا جوان داستان دیگری است
آنها همه جا در جنبش شرکت دارند و

در اینجا فقط به برخی از
حادثه های مثال بیدار شدت اهالی
می برده ایم .
تنزل در صد موالید ، خانواده های
تشریف ریز و تشریف ریزان روزمزد
که فقرتترین اهالی اند عموماً با یک
بچه بیشترند و رندویک سوم این
خانواده ها بخاطر فقر مادی امسلا
بچه ندارند . یک سوم زن و شوهرها
جوان مسکن ندارند .

بیچاره رستان: لیستان از این
نظر در مقامی قابل آخردر کشور های
"سوسیالیستی" قرار دارد (از نقطه
نظر تعداد دخت خواب به نسبت اهالی)
در این بحث (وروش) این رقم حتی
به نصف رقم میانگین کشورهای
اروپائی نمی رسد . کم نیستند

در رشتا با داروهای مطبوع
گزارش کمیسیون بیدار شدت و ورزش
مجلس از ۱۲۲۸ دارو محدود ۶۰۰ دارو
همیشه با با است . قیمت فروش داروها
کاهش یافته است .

در مورد تغذیه ، مطابق تحقیقات
دوا شروزارت بیداری ، ۲۵٪ محصولات
غذائی که برای فروش به بازار عرضه
می شوند با سالم و مضربرای سلامت
است . لکن مصرف کنندگان از هرگونه
امکانی برای کنترل موثر محصولات
غذائی محروم اند .

(انترویه "آلترا تیو" ، چاپ پاریس)



کارگران "دانسک" شب نامه مخفی و غیرتونی چاپ میکنند .

هم اکنون در لیستان لیستان دیگری
است و ما در کشور دیگری زندگی میکنیم .

سوال: و یا؟
جواب: من بیشتر از شما

نمی دانم . ولی بنظر من میزد که
کلیسا در مجموع تنها کار یکسره
می تواند بکنند اینست که بگردد
جریانات سیر خود را طی کنند . کلیسا
برای حمایت از یک راه حل مصالحه
چویا نه وارد میدان نخواهد شد ، به
فرض اینکه مصالحه ای تحقق پذیرد .

سوال: چگونه مصالحه ای؟
جواب: با بیدار است که با لایحه
عدم دخالت شوروی حدی دارد . لکن
سا نسور ، آزادی مطبوعات ، آزادی رادیو
و تلویزیون خواستهای هستند که
در صورت تحقق باعث فروریختن

کامل حزب حاکمه میشوند . و تمام
نظام متلاشی خواهد شد و مسکوا یتر
تحمیل نخواهد کرد . برعکس اگر
لیستان همچنان در بینان ورشو
باقی بماند و سیستم نظمی شرق
دست نخورده بماند . مصالحه ای
می تواند صورت بگیرد . (حسرت)

اعتصاب و یکنوع آزادی کاندیدائی
در انتخابات داخلی سندیکا های
رسمی)

سوال: آیا بیوندهائی میان
جنبش کارگری و روشنفکران موجود
است؟

جواب: بله ، دانسک بوتسه
آزمایش این اتحاد جدید و اساسی
است . در جاهای دیگر ، بیوندها هنوز
شکندند اند .

سوال: بعضی ها (مانند حزب
کمونیست فرانسه) فکر میکنند که
اعتصاب لیستان یکی از نتایج
مثبت سیاست "دانش" و تشنج زدائی
است

جواب: "دانش"؟ من معنی
این کلمه را نمی دانم . آنچه در
لیستان می گذرد ، محصول شجاعت
خلق لیستان است .

تجاوزات اسرائیل موجی از خشم و نفرت را در سراسر جهان برانگیخته است

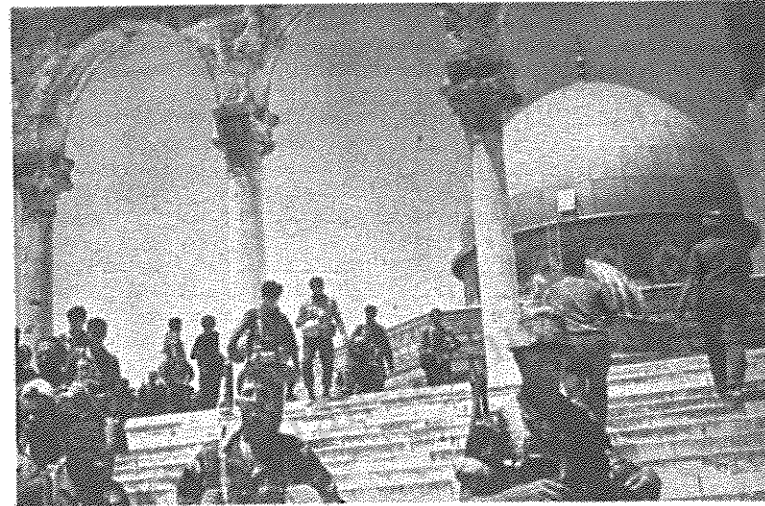
تنها جم گسترده رژیم صهیونیستی اسرائیل به جنوب لبنان از هفته پیش دوباره آغاز شد. در چند روز گذشته جت های جنگنده اسرائیلی با یگانهای سازمان آزادیبخش فلسطین را در شمال رودخانه لبتانی بمباران نمودند. سپس نیروهای اسرائیلی توسط هلیکوپتر شمال رودخانه لبتانی در منطقه نیتسه و ارنون و اشرف نیوفورت فرود آمدند. وزیر حمايت تویخا نسه سرگرد سعد حداد خسارات فراوانی به استحکامات سازمان آزادیبخش فلسطین و سایر نیروهای لبنان نسبی وارد آوردند. رژیم استعمارگر قدس بیستی از شروع این حملات تعداد ۴۰۰ تن سگین تحت اختیار سرگرد سعد حداد قرار داده بود. این تهاجمات به شهر میدا نیز که در ابتدا مورد حمله قرار گرفت خسارات سنگینی وارد آورد.

اسرائیل را بخاطر افکنده انهد و اسرائیل فقط مدافع موجودیست خویش است. بدین ترتیب افکار عمومی جهان را از اعمال تجاوز گرانه و اشغالگرانه خود منحرف نماید.

اسرائیل میرسد که این بار بحران داخلی اسرائیل و منفرد شدن رژیم اشغالگر قدس در سراسر جهان با اندازه ای شدید است که حمله های کهنه، دیگر نه تنها منجر نمیستند بلکه به بدتر شدن اوضاع نیز کمک میکنند. و اضعیف این است که اسرائیل از نظر داخلی با یک تورم ۱۲۲ درصدی مواجه شده است. تسوی خارجی دولت اسرائیل در سه ماه اول سال ۱۹۷۹ بیش از ۱۴ میلیارد دلار بر آورده شده است. مالیات سنگین، هزینه های گزاف، بالا رفتن سریع قیمت بنزین و سایر مایحتاج روزانه، سگاری و دلپره مردم از جنگ همه جا نیه دیگری بسا اعراب و عدم امنیت، حکا بتنگی. یک بحران شدید داخلی در اسرائیل است. این امر باعث شده است که اسرائیل "مهاجرت منفی" داشته باشد. طبق بررسی کمیته مهاجرت کنت (مجلس ملی) اسرائیل در حال حاضر ما نه دو هزار نفر اسرائیل را ترک میگویند و اغلب به ایالات متحده آمریکا میروند. در عرصه بین المللی نیز رژیم اشغالگر قدس هر روز بیشتر منفرد میشود. در تیرماه سال شوری امنیت سازمان ملل با تصمص اسرائیل منبى بر انتقال یا بتختن به بیت المقدس مخالفت کرد، سپس مجمع عمومی فو الیاده سازمان ملل قطعنامه ای با آرای مثبت ۱۱۲ کشور تصویب رساند. طبق این قطعنامه رژیم اشغالگر قدس باید سرزمینهای اشغال شده بعد از جنگ ۱۹۶۷ بطور کامل عقب نشینی کند، و یک دولت فلسطینی برهبری سازمان آزادیبخش فلسطین تشکیل شود. تنها ۷ کشور به این قطعنامه رای منفی دادند که آمریکا یکی از آنها بود.

تصویب این قطعنامه بیروزی بزرگی برای خلق فلسطین بود. این قطعنامه نیز نشانه بارز انفراد اسرائیل و حامی درجه یک آن آمریکا است. با تمام فشارهای بین المللی بر اسرائیل دولت اشغالگر

تهاجم دولت صهیونیستی اسرائیل به لبنان محکوم است



امنیت سازمان ملل نیز در جلسه ای طبق یک قطعنامه عمل اسرائیل را محکوم کرد. اینبار حتی آمریکا نیز به این قطعنامه رای ممتنع داد و آرا وتو کرد. بدین ترتیب مشاهده میشود که رژیم اشغالگر قدس آنقدر در افکار عمومی جهان منفرد و منفور است که امیرالیم آمریکا یعنی حامی درجه اول آن از اوجمایت رسمی و علنی رها دارد. تحت چنین شرایطی است که صهیونیست ها برای منحرف کردن افکار عمومی جهان و سایر افکنندگان بر بحران داخلی خود در هفته گذشته دست به تهاجم به جنوب فلسطین و لبنان و یگانهای فلسطینی زدند. اما این حملات علاوه بر مقاصد دلبران خلیقهای فلسطین و لبنان با واکنش شدید کشورهای جهان روبرو شد. سلیم الحوی نخست وزیر لبنان این حملات را محکوم کرد و یاد و روشد که دولت اسرائیل همه این اعمال را تحت حمایت مستقیم آمریکا انجام میدهد. حتی وزارت امور خارجه انگلستان نسبت به این حملات در برابر تاسف نمود دولت فرانسه نیز ضمن محکوم کردن رژیم اشغالگر قدس، طی بیانیهای گفت که این عملیات برخلاف کوشش و کشور اروپایی، عضو سازمان ملل است

رویدادهای جهان

اعتصاب ماهیگیران شیلات فرانسه و آلمان ادامه دارد

اعتصاب ماهیگیران شیلات فرانسه که هفته قبل در چندین بندر ما هی گیری شروع شده معنای آن ادامه دارد. ۲۵۰۰۰ ماهیگیر بندر شیراک در فرانسه بندر را به محاصره خویش در آوردند. کارمندان کشتی های ماهیگیری در بندر بولون نیز در اعتراض به اخراج بخشی از ماهیگیران دست بسا ماهیگیران به همیستگ با ماهیگیران تورما شدی به اعتصاب پیوستند. ماهیگیران فرانسوی خواهان تعیین قیمت های بالاتری برای ماهی خود میباشند و از دولت خواسته اند تا از واردات ماهی بفرانسه بکاهد. نیروی دریایی فرانسه بندر نفتی پرسی را که در تصرف ماهیگیران بود از محاصره خارج نمود ولی ماهیگیران مجددا این بندر را به اشغال خود در آوردند. ماهیگیران آلمان فدرال نیز در پشتیبانی از کارگران شیلات فرانسه در بندر مید میگو در دریای شمال وارد اعتصاب خود شدند. ماهیگیران آلمانی خواهان تقلیل بهای سوخت و تغییر مقررات بسا زار مشترک در مورد صنعت ماهیگیری میباشند. اعتصاب ماهیگیران فرانسوی و آلمانی کلیه راههای ارتباطی دریایی فرانسه را با انگلستان و دریای آزاد قطع کرده است.

جاسوسان روسی از پر تقال اخراج شدند

خبرگزاری فرانسه از لیبیون گزارش میدهد که در جلسه کابینه دولت برتغال چهار "دیپلمات" روسی بعنوان عناصر نا مطلوب شناخته شدند و سه آنان هر روز مهلت داده شد تا خاک این کشور را ترک کنند. یکی از دیپلماتها بنام بوری سوویچوف رئیس کاب. ب. ب. در برتغال بود. دیگر اعضای اخراجی سفارت شوروی شامل معاون وابسته نظامی و نفر دوم سفارت نیز میباشند. این اقدام اخیر دولت برتغال مرحله جدیدی از تیرگی روابط برتغال و شوروی میباشد. دولت برتغال قبلا سفیر خود را به نشانه اعتراض به دخالت نظامی شوروی در افغانستان از مسکو فرا خواند و چند هفته بعد کلیه روابط سیاسی و فرهنگی و علمی خود را با شوروی به حالت تعلیق در آورد. برتغال اولین کشوری نیست که در سال جاری وابستگان سفارت شوروی را که جاسوسی میکنند از کشور خود اخراج کرده است. در شش ماه گذشته کشورهای فرانسه، ژاپن، ژلاندنو، پاکستان، چین، ایران انگلستان، آلمان غربی نیز نتوانسته اند عمل سازمان جاسوسی روسیه را که تحت پوشش کارمندان سفارت، وابستگان فرهنگی و یا خبرگزاری نووستی فعالیت میکنند شنا سایی نموده و اخراج نمایند.

لهستان

علیرغم تهدیدات مبارزه ادامه دارد

مبارزه علیه کمونیسم در لهستان که در سال ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد...

مردم جهان را دوباره بر روی مستعد موجودیت خویش متمرکز کنند، و بسا تنظم خواهد یافتند و نمودن کنند کد این کشورهای عربی و جریکهای فلسطینی هستند که موجودیت

قدس تصمیم به انتقال پایتخت خود را به بیت المقدس عملی کرد. این عمل با مخالفت شدید کشورهای عربی و سایر کشورهای آزادیخواه و استقلال طلب روبرو گشت. شورای

برقراری صلح در منطقه میباید. در همین زمان یک هیئت نمایندگان سازمان آزادیبخش بریاست اوجیا دو همراهی هانی الحسن وارد یکن شد. ابرو جهاد

اسرائیل وجود ندارد، زیرا خواهد یافت که این رژیم اشغالگر نیز به زبانه دانی تاریخ فرستاده خواهد شد.

استرالیا -

با تکیه به سیستم دفاعی امپریالیسم آمریکا نمیتوان بمقابله با تهاجم جهانی سوسیال امپریالیسم شوروی پرداخت

رقابت دیوانه وار و جنگ افروزان امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی به قاره پنجم نیز کشیده شده است. بنظر میرسد که استرالیا جدا از رویداد های جهانی و آنسوی اقیانوس ها "جزیره ناشناخته" بشمار میرود ولی واقعیت های جهان امروز که در هر گوشه و کناره آن ابرقدرت های ستم با یکدیگر براد خسته اند در ادخاله تسلطی بر خود را برای جنگ سوم از مدرن ترین سلاح های هسته ای و غیر هسته ای انبساط میسر اند. تاره استرالیا را نیز در بر میگیرد. امپریالیسم متجاوز روسیه مدتهاست که خود را برای یک تهاجم منطقه ای در خاور دور آماده ساخته است. استقرار نیروهای زمینی شوروی در چهار جزیره شمالی متعلق بزیان، استقرار موشک های بالستیک برد متوسط آن اس ۲۰۰ و بمب افکن های یک نسل در این منطقه و از سایر تعداد دنا و هوا و کشتی های جنگی در آبهای اقیانوس کیسری و تهاور هواپیما ها و کشتی های روسی به حرم دریای و هوای فیلیپین و استرالیا نموداری از تدارک شوروی در خاور دور میباشد که امنیت و صلح منطقه را بخاطر انداخته است.

امپریالیسم آمریکا نیز در تلاقی است با مقابله با قدرت رشد یافته نظامی شوروی، استرالیا را اسلحه دار می گردانند. هیئت حاکمه استرالیا برای ایجاد یک اتحاد نظامی با آمریکا رسیده است. استرالیا بطور تاریخی بخاطر دفاع از کشور در مقابل خطراتی که تهدیدکننده اند با انگلستان و آمریکا بستان همکاری نظامی شده است. نسبت و بربر استرالیا ملکم بر سر سراسر این اعتقاد است که

«راه پیمائی آزادی» در فیلیپین: آزادی از قید سلطه امپریالیسم آمریکا

رژیم دیگتا توری مارکوس در تلاقی مذبحا به منظور جلوگیری از اوجگیری مبارزات سیاسی شهری در فیلیپین اخیرا تعداد زیادی از فعالین جنبشهای توده ای را دستگیر کرده است. در یک ماه گذشته بیش از ۱۰۴ نفر از مبارزان رژیم با تهاجم، تخریب و شوط علیه امنیت کشور دستگیر و روانه زندان ها شده اند.

بسی از دو سال است که شهرهای بزرگ فیلیپین "مانیل" و "کلبو" شاهد جنبشهای عظیم توده ای نبوده اند. و اعتراضات توده ای اکثر در شهرهای کوچک انجام میگرفت. اولین حرکت توده ای در شهرهای بزرگ پس از این مدت تظاهرات عظیم کارگران در روز چهارم کارگر (اول ماه مه) میباشد. در این روز بیش از ۲۰۰۰۰۰ کارگر در مانیل بخوابان ها ریختند و در تظاهرات خود رژیم مارکوس و امپریالیسم آمریکا را محکوم نمودند. تظاهرات اول ماه مه کارگران از طرف جنبه دمکراتیک ملی فیلیپین سازماندهی شده بود و نمودار قدرت سیاسی جنبه دمکراتیک ملی در شهرها میباشد.

(جنبه دمکراتیک ملی فیلیپین، جنبه ای است از اتحاد احزاب سازمانها و گروههای ملی و سیاسی که با به ریزی آن در سال ۱۳۵۲ از طرف حزب کمونیست فیلیپین انجام گرفت.) رژیم مارکوس سرعت در مقابل تظاهرات عظیم توده ای و بسیاری از سازماندهان تظاهرات را ببنده کشید. با دستگیری رهبران جنبش دانشجویی در اواخر خرداد ماه و به تبعیت افتادن شروع کلاسار دانشگاهها، رژیم مارکوس توانست تظاهراتی را که از طرف "جامعه دانشجویان فیلیپین" برای روز استقلال کشور بر تارنما میریز شده بود درهم بشکند. ولی در شهرهای "کلبو"

و "ساکایان ادرو" و شهردیکسبر دانشجویان صدقا نسبت موفق به برگزاری تظاهرات خویش شدند. در شهر "کلبو" ۲۰ هزار نفر در یک راهپیمایی ۱۷ کیلومتری بنام "راهپیمایی آزادی" شرکت کردند. در مقابل، فقط ۷ هزار نفر در تظاهراتی که از طرف رژیم مارکوس سازماندهی شده بود در مقابل در هم شکستن "راهپیمایی آزادی" بود شرکت داشتند.

موفقیت تظاهرات دانشجویان رژیم دیگتا توری را به سبب تهاجم و وحشیگری بیشتری انداخته و کارزار دستگیری و آزار و اذیت دانشجویان آغاز گشت. در شهر "کلبو" ۲۲ نفر از فعالین جنبشهای دانشجویی دستگیر شدند و اواخر ماه ۱۳۵۲ در زندان ماندند. او خود اختیاری و ترور حاکم مبارزات توده ای سیاسی در شهرها همچنان ادامه یافت. روز ۱۲ تیرماه به سبب سی و چهارمین سالروز "استقلال" فیلیپین از سلطه استعمار و امپریالیسم آمریکا تظاهرات عظیم دیگری برپا شد. شدت تظاهرات بعدی بود که تظاهرات کنندگان در شهر مانیل موفق شدند. سفارت آمریکا را تعطیل نمایند. در شهر "سوک" پلیس با استفاده از ماشین های آب پاش تلاش نمود که مردم را متفرق سازد.

اوجگیری تظاهرات کارگری و دانشجویی در شهرهای فیلیپین جنبه دیگریست از مبارزه علیه سلطه امپریالیسم جنایتکار آمریکا و رژیم دست تافته اش در فیلیپین. بیوند این مبارزات با مبارزات مسلحانه توده ای که مدتهاست تحت هدایت حزب کمونیست این کشور در جریان است اتفاق نویسی را از دستگیر است ابر قدرت آمریکا در خاور دور باز کرده است.

کشتی سازی دانسکا قرارداد، و تهدیدات دولت ادامه دارد و هر روز گسترش بیشتری مییابد. هم اکنون اعتمادیات قریب به ۲۵۰ کارخانه و موسسه صنعتی را دربر گرفته و در روزهای آینده بدون تردید کارگران دیگری به جنبش خواهند پیوست.

در روز جمعه گذشته، دولت سرانجام ناگزیر گردید "کمیته" اعتبار را بپای کارخانهها را به رسمیت پذیرفته و با آن وارد مذاکره گردد. این مذاکرات در محل خود کارخانه، یعنی کشتی سازی لنین، با حضور کلیه نمایندگان کارگران که تعدادشان اکنون به ۷۰۰ نفر بالغ میشود صورت میگردد و جریان مذاکرات تماما از طریق بلندگو به اطلاع کارگران اعصابی میرسد و بدین ترتیب، دمکراسی کلگری بصورت مستقیم خود از جانب نمایندگان واقعی کارگران که منتخب آنان هستند اعمال میشود.

در حقیقت، نمایندگان دولت، در همان نخستین جلسات مذاکره پذیرفتند که هیچ نوع مذاکره ای بدون شرکت نمایندگان منتخب کارگران عملی نخواهد بود. و بدینال استعفاي معاون نخست وزیر "بیکا"، دومین معاون نخست وزیر به اسم "یاگیلسکی"، ناگزیر گردید کمیته اعتبار را به رسمیت بشناسد.

نماینده جدید دولت از همان آغاز کوشید تا با توسل به ارباب و تهدید صفوف متحد کارگران را بشکند، بدین ترتیب که از کمیته اعتبار خواست تا سه نفر از اعضای هیات مذاکرات را کنار بگذارد (یکی از این سه نفر خانم والتینویچ بود که از بنیان گزاران جنبش اعصابی و کمیته های کارگری و از مبارزین قدیمی جنبش کارگری بشمار میرود و در میان کارگران فوق العاده محبوب است.) لکن کارگران و نمایندگان آنها این خواست زورگویانه نماندند. دولت را قاطعانه رد کردند.

در این مذاکرات، نماینده دولت کوشید تا یک معامله سیاسی را به نمایندگان کارگران تحمیل کند، یعنی در ازای برقراری مجدد ارتباط تلفنی میان دانسکا و بقیه کشور، از کمیته تعهد بگیرد که کارگران حمل و نقل عمومی که همزمان با کارگران "لنین" اعتبار کرده اند، دست از اعتبار بکشند. لکن کارگران زیر بار این تحمیل نرفتند و وحدت و همبستگی مبارزاتی خود را از طریق "کمیته" رابط حفظ کردند.

از مجموع داده ها چنین بر می آید که امکان توافق میان دولت و کارگران تقریبا صفر است. زیرا دولت نه تنها به خواست های سیاسی کارگران و در درجه اول خواست انحلال سندیکای دولتی و ایجاد سندیکای مستقل کارگری براساس انتخابات آزاد گردن نمی نهد بلکه همچنین در ارتباط با خواست های اقتصادی نیز حاضر نیست از جارجوب محدودی فراتر رود (از جمله در مورد افزایش دستمزدها) جارجوبی که هیچ وجه کارگران را راضی نمی سازد.

در مورد آزادیهای اجتماعی نیز، دولت اگرچه عده ای از مخا - لفسن بازداشت شده را رها کرده است، لکن دو نفر از رهبران اصلی "کمیته" دفاع از خود اجتماعی را (یاچک کورون و آدام میشنیک) که سبب تهاجم دشمنان برین شخصیت های مخالف رژیم شناخته شده اند، همچنان در زندان نگهداشته و احتمالا آنها را محکوم نیز خواهد کرد.

در چنین شرایطی است که خبر میرسد، نخست وزیر (بابوش) و پنج تن از اعضای دفتر سیاسی حزب حاکم لهستان توسط ادوارد کیرک اکرار برکنار شده اند و قول برگزاری انتخابات آزاد میگردد. تیگ نیز داده شده است. لکن این تغییرات سطحی مورد قبول کارگران قرار نگرفته و آنان از زبان رهبر خود "لین والسا" اعلام کرده اند که به مبارزه خود تا احقاق حقوق حقه کارگران که در خواستهای ۲۱ ماده ای آنان منعکس است ادامه خواهند داد.

قاطعیت کارگران کاملا بجا و مورد است. بخصوص که باتوجه به تهدیدات مکرر ادوارد کیرک، با توجه به بسیج نیروهای سرکوبگر ضدورشی لهستان و با توجه به تهدیدات غیرمستقیمی که از جانب مسکو علیه اعتصابیون صورت میگردد، عقب نشینی های اخیر دولت می تواند تنها یک مانور و حیل برای شکستن و یا تضعیف جنبش اعصابی و درهم شکستن آن از طریق قهری باشد. زیرا مسلم است که در شرایط کنونی، هرگونه سرکوب قهری جنبش با گسترش بی سابقه آن و براه افتادن یک جنگ و مقاومت مسلحانه کارگری و توده ای روبرو خواهد شد. دولت فداطلبی و اربابان روسی آن میکوشند با تضعیف جنبش شرایط را برای سرکوب خونین آن فراهم کنند. اما کارگران هشیارند و دست از مبارزه بر نمی دارند.

«مصدق زدائی» در خیابانهای تهران

گروههای خودکامه صدقانون، «شاه» را دیگری برشا هکارهای قبلی خود افزودند. عدهای نیمه شب برافشاده و تابلوهای خیابان در کتار مصدق را تغییر داده و با نام و آواز آن پاک کرده اند.

این عمل فداشکلاهی پادشاهانه های گروهی منعکس نشد و با تنها از نقطه نظرقانونیت آن مورد انتقاد قرار گرفت. شهرداری تهران هم از همین زاویه اطلاعاتی صادر کرد و به این عمل انتقاد دخیفی نمود.

در اینکنا مزدائی خیابان مصدق عملی غیرقانونی و صدقانون است شکی نیست و محکوم است اما با توجه به جنبه سیاسی اینکار، غیرقانونی بودن آن غیر عمد و فرعی است. این عمل صرفا کار عدهای خودسر نیست، بلکه علاوه بر آن مصدق زدائی و تاریخ زدائی است. اینکار رادامه کشیدن سرمصدق از تابلوی میدان فردوسی و آدامه تلاش کسانی است که می خواهند نقش دکترمصدق بمانا به رهبر جنبش فدا میریالیستی مردم ایران ملی کردن صنعت نفت و با لنتیجه نفس مبارزات فدا میریالیستی مردم ایران قطع تاریخی نمی کنند و از تاریخ کشور ما بزدا بیند، امری که برخلاف تصور اینان غیر ممکن خواهد بود. زیرا مردم میهن ما بد تاریخ مبارزات خود سخت دل بسته اند و به رهبران ملی و فدا میریالیست خود عمیقاً وفا دارند. یا دهنضت ملی ایران برای ملی کردن صنعت نفت با همه دستاورد ها و تجاریش و یا دکترمصدق بمانا به رهبران مبارزه پس از قریب به سه دهه استبداد محمدرضا با هی همچنان زنده مانده است و بدون شک در برابر تشبیهات جوجه مستبدین جدید هم مقاومت خواهد کرد.

این با عنث ننگ است اگر در ایران انقلابی جاشی برای نام دکترمصدق باقی نماند، همه میداند که مصدق زدائی در خیابانهای تهران و شهرستانها کار تنها یک مشت جوان فریب خورده نیست و این دستور و پیشگرمی از «بالا» است که چنین اعمالی را میسر میسازد.

بهر حال همه نظور که نام مصدق در تاریخ تهضت ما و در دل مردم همیشه زنده و با برجا باقی مانده، نام خیابان مزبور نیز مصدق باقی خواهد ماند حتی اگر تا بلود دیگری بر آن نصب شود. این اراده مردم برای سپاسگزاری از رهبران تاریخ مبارزاتشان است.

استخدام یا تقفیش عقاید

تفتیش عقاید برای جویندگان کار در ادارات دولتی قوزبلا قسور شده است. این امر بویژه در ادارات تابعه وزارت آموزش و پرورش مشا هده شده است و مخالفت جویندگان کار را نیز بشدت برانگیخته است. علت این تفتیش عقاید ظاهرا استفاده از «مکتبی» است که بقوا نندا مورثعلیم و تربیت وغیره را براساس «مکتب» اداره کنند. اما محتوی سئوالاتی که ساز جویندگان کار میشود، نشان میدهد که انحصار طلبان درصدهستند که ادارات دولتی را تحت کنترل مطلق خود در آورند، و مکتبی بودن مستخدمین بهانه ای پیش نیست.

در نامه ای که بعنوان شکایت به دفتر ریاست جمهوری رسیده و در روزنامه انقلاب اسلامی ۵۹/۵/۲۶ بجا رسیده، نمونه های از سئوالاتی که در اداره آموزش و پرورش از جویندگان کار شده است، ارائه شده. بعضی از این سئوالات بقرا زیر هستند:

- نظرشما در مورد آقای بهشتی چیست؟
- بهشتی، بنی صدور آیت را در برابر یکدیگر تحلیل کنید.
- دشمن اصلی ما آمریکا است یا شوروی.
- نظرشما در مورد شورای انقلاب چیست؟
- آیا حزب جمهوری اسلامی بطور کلی در خط انقلاب عمل میکنند یا نه؟
- بدون تردید این گونه تفتیش عقاید در امور استخدامی کشور آغازی است برای زیر پا گذا ردن تمام آزادیها که با خون هزاران شهید بدست آمده و ایجاد یک جواستبداد و اختناق دوباره، این اعمال تحت هر نامی که انجام شوند، ما هیت امرا را تغییر نداد و با ییدشدهت مورد انتقاد قرار بگیرند و طرد گردند.

مسائل و مشکلات قضات شرع

در روزنامه انقلاب اسلامی مورخ ۵۹/۶/۱ مقاله ای تحت عنوان «درجانبه سمینا رهبریی مسائل و مشکلات قضات شرع» بجا رسیده که حاوی نکات مهم و ارزنده ای در مورد مسائل و مشکلات قضات شرع و دادگاهها و دادسرا های انقلاب سراسر کشور می باشد. ما در زیر به چاپ بخشهایی از این مقاله مبادرت می کنیم.

«همه قوایا بیدرست و دقیق عمل نکنند، بدون اینکه مزاهمکار یکدیگر باشند، قضات شرع هرگز نمی با یستی در کارهای اجرایی، دخالت کنند بلکه

می رفتند و آنجا یک نمره میداد دومی - گفت که بکشید با شید.

یکشنبه می رفتیم با یک کاغذ من را به یک اطاقی پیش چند دکترم فرستادن که اسم آنها شورای عالی پزشکی بود پس از یک هفته میگفتند برید عکس بگیرید و بعد بیا شید. دیگر دیوانه شده بودم اریس بول تا کسی و از چهار راه مصدق به ۵۰ عباس آباد به خیابان حافظ چهار راه عزیزخان و بیل چوبی رفتم هر کجا که میرفتم برای آنها توضیح میدادم که این سیستم تنها از دوران قبلا است یا بیدرست شود.

خلاصه اگر خود شما با من بودید و در عمل همراه ما بودید در صورت میفهمیدید که این ۸ ماه را میسوزد با یک هفته درست کرد و مردم را اینطور به این اطاق و آن اداره نفرستند. چرا این دولت بد این درد دل مردم ضمیرسد، این بولد اراها هستند که میتوانند یک ما شین زیر پای خود بگذارند و بدون اینکه کاری داشته باشند اینها و آنجا بروند ولی ما زحمتگشان که یک ساعت کار نکنیم همان یک ساعت پول برای زندگی نداریم.

آب استون این انقلاب این زحمتگشان نبودن که نشان دادند جنور از زمان فاع خود میگذاشتند تا انقلاب برانجام برسد و این آمارشیدند را نگاه کنید به مبارزات کارگران در سراسر ده سال شاه نگاه کنید. می بینید که این کارگران هستند که همراه با مردم و بیسایش آنها به انقلاب خدمت میکردند برای پیروزی انقلاب اسلامی ایران.

حال اگر که در تهران یا جایی دیگر یک ساختمان نبودن که در آنجا اطاقی پیرونده یا شد در یکی دیگر اطاقها متخصص ها باشند در جایی دیگر چند دکترم بنشینند مگر نمی شود این کارها که چند ماه طول کشید در طول یک هفته انجام داد. مساز دولت خواستار رسیدگی فوری به این وضع به ادارات هستیم.

زنده با ما انقلاب اسلامی ایران برهبری اما خمینی مرگ بر آمریکا - شوروی جها نخواران بسزرگ

تصویری از وضع بوروکراسی یکماه پس از «طاغوت زدائی»!

نامه یک کارگر

باز هم در همان برنامها را بسر من آوردن از حوضه نظام وظیفه که ۷ طبقه بود به این اطاق و آن طبقه فرستادن و بعد با یک شماره به خیابان چهار راه مصدق بیما ستان ۱۰۱ فرستادن.

در آنجا پس از چند ساعتی شما ره دادن که دوشنبه بروید شورای عالی پزشکی دوشنبه رفتیم و در محل برای رئیس شورا درد دل کردم. در جواب گفت که آقا برای معافی گرفتن باید بروید. چند ماهی من وضع دادم که یک دو هفته آقا بیشتر مرضی ندارم و بعد من هم دیدم که اگر سرکار ما با زنگ زدیم کار خود را از دست میدهم و به شیراز آمدم (در تهران باز هم همان برنامها موجود بود که غذای میدادند و یا شماره که بروید هفته دیگر بیا شید همان کاغذها را).

پس از یک ماهی در کارخانه اعلامیه ای زدند که هر کس معافی شورا را از دست ببرد دیگر وضع خود را روشن کند و اگر نه آنها را بیرون میکنند.

من چند بار پیش رئیس رفتیم و تا ۱۵ روز مرضی بدون حقوق بگیرم و با زهم پیرونده را با خواهش بمن دادند و به تهر ان آمدم.

نمیدانید که در تهران چه سه سرتن آوردند به چند محل یک حوضه نظام وظیفه برای گرفتن شماره پیرونده و بعد میگفتند که با این شماره به چهار راه مصدق بروید و بعد از رئیس کارخانه به تهر ان هفته مرضی گرفتیم و آمدم به تهر ان

رفتیم ولی باز هم آنها بد قولی کردند و ساعت ۱۱/۵ آمدند. در آنجا چهار دکترم بودن که من را معاینه کردند و سه دکترم مرا معاف کردند ولی یکی از آنها که سرهنگ آنجا بود مخالفت کرد و گفت با قانون قدیم آقا سرباز است و من برای آنها توضیح دادم و گفتم که شما کمیسیون پزشکی نظر تان با دکترم متخصص فرق میکند و اشتباه میکنید. سرهنگ مخالفت کرد و من را سرباز اعلام کرد.

پس از چند هفته ای به خیابان فردوسی که چند بار رفتیم اعتسراف نامه ای به کمیسیون پزشکی نوشتیم و طی همان مراحل قبلی (متخصص - شورا - کمیسیون) باز پیش همان چهار دکترم آمدیم و پیرونده من را نگاه کرد و میگوید که شما معاف هستید. من به همان سرهنگ گفتم که آقا حال پیروزم را ببرای شما توضیح دادم ولی شما قبول نکردید. (تا اینجا هم من آن مراحل اطاق به اطاق - شماره به شماره را گذراندم و من را بیسای به اینجا و آنجا دادند).

پس از یک هفته دیگر رئیس من مخالفت کرد که چرا کمیسیون دوبار نظر داد. پیش رئیس ارتش رفتم و طی یک صحبت گفت که شما آقا باید بدوید تا معافی بگیرید. بروید و او را بفرستید تهران به شورای عالی.

و بعد از رئیس کارخانه به تهر ان هفته مرضی گرفتیم و آمدم به تهر ان

دوستان گرامی حزب رنجبران این نامه را به این علت نوشتیم که بعد از انقلاب اسلامی که با بدگمی از مشکلات زحمتگشان کمتر بشود که بدوولی کارها بیسی این دولت باید انجام میداد دومی - نوشتیم، انجام دهم ولی بعلمت اینکه نه زحمتگشان خیلی توجه نداشتند است بسیاری از کاری این مردم انجام نشده یکی از آنها این کاغذ بازی و به اطاق و آن اطاق و آن اداره پاس دادن است.

وقتی اما صحبت میکنم میگویند: کاغذهای شاهنشاهی باید پاک شود - نظر ما یعنی اینکه این ادارات از اسباب در دست بشود حال که من یکی از این دردهای توده های مردم تهر ان گرفتم برای شما درد دل میکنم.

من یک کارگر شرکت مغا بارات (زیمنس شیراز) هستم. در دوران که مردم متحد و یکپارچه با شعار «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و نه شرقی نه غربی سرعلیه رژیم مریکایی میجنگیدند ما هم در کنار توده های مردم به مبارزه برداختیم که در ۲۱ بهمن تهر ان خوردیم و بعد از ۷ یا ۸ ماهی دستم بهتر شد و توانستم کار خود را در کارخانه دنبال بکنم.

در تاریخ ۵۸/۷/۱۲ برای خدمت سربازی خود را معرفی کردم. دوسه هفته دنبال پیرونده تشکیل دادن به این اطاق اداره و آن اطاق اداره دویدم و اداره های بسیاری را زیر پا گذاشتم.

بعد پیرونده را به ژاندارمری خیابان فردوسی دادم آنها مرا با یک شماره به بیمارستان فرستادن در این جا با زم شماره ای دادند و گفت چند روز دیگر به ژاندارمری دروازه تهر ان بروید در آنجا پس از این اطاق و آن اطاق نامه ای دادند که هفته بعد ساعت ۸ پیش دکترم بروید. ما هم سر موقع به آنجا رفتیم ولی ساعت ۱۲/۵ دکترم آمد و گفت بروید عکس بگیرید در داد بیاید باز رفتیم عکس دست را گرفتیم و فرودا به بیمارستان آمدم دکترم نوشت که دست راست او خراب است و معافی میتواند بشود.

دو هفته بعد باز هم گفتند که ساعت ۷ صبح روز چهارشنبه برای کمیسیون پزشکی بیاید ما هم سر موقع

زنگ تفرقه از صفحه اول

انحراف بیشتر میشود. در مقام سیاسی این اشتباه را سیاست درهای بسته میگویند. سیاستی است که اکثریت را ردمی کند، متحدین را طرد می نماید، به کمبودهای دیگران توجه می کند، همه کس و همه چیز را منفی ارزیابی می نماید.

این سیاست نتایج عملی خود را تدریجا ببار آورد. در زمینه قدرت سیاسی حکومت یک قشر، یک حزب و یک طرز فکر حتی چند نفر را به پیش کشید و امروز ما بینیم در سراسر رگان های دولتی همه چیز را رد یا مطلق یک دست میشود. انتقاد از این موضوع از این حرکت بعنوان حرکت «فدا انقلابی» مهر

تظاهرات کارگران صنعت چاپ

تظاهرات کارگران صنعت چاپ

بیش از هزار نفر از کارگران صنعت چاپ تهران و حومه به همراه نمایندگان کارگران چندین کارخانه و واحد تولیدی دیگر بمنظور اعتراض به لغو سود ویژه و سایر بندهای ضد کارگری موجود در قانون کار در ساعت ۴/۳۰ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲ شهریور ماه در خانه کارگران تهران اجتماع نموده و متحداً خواهان تدوین قانون جدید کار از طرف نمایندگان منتخب کارگران ایران شدند.

اجتماع کارگران، با شرکت وسیع زنان و مردان در محیطی آرام و با هوشیاری کامل و ارادهای آهنین برگزار شد و از یک نظم انقلابی خاص برخوردار بود. کارگران که ابتدا برای شرکت در راهپیمائی و طرح خواستهای خود خطاب به وزارت کار، در جلوی خانه کارگر آمده بودند، پس از اطلاع از صدور اجازه راهپیمائی از طرف وزارت کشور بعلت بخش اخبار تحریک آمیز از رادیو و اتهامات بی اساس که به آنها نسبت داده شده بود با خونسردی و متانت کامل و حفظ نظم از راهپیمائی منصرف شده و پس از یک ساعت سخنرانی از طرف نمایندگان مختلف کارگران و با قرائت قطع نامه خود مبنی بر ۱۵ روز مهلت به وزارت کار برای تامین خواستهایشان به اجتماع خود پایان دادند.

سخنان نمایندگان کارگران
یکی از مسئولین اجتماع کنندگان ضمن گزارش کار هیئت رئیسه سندیکای کارگران چایخانههای تهران و حومه به کارگران اعلام کرد:

" ما ناگفتنی به وزارت کار و یا هر ارگانی که خودسرانه نسبت به حقوق ما و سرنوشت ما بخواهد تصمیم بگیرد قاطعانه اعتراض کرده ایم و ازین پس هم اعتراض خواهیم نمود. ما معتقد هستیم که باید کارگران در تدوین قانون کار شرکت مستقیم داشته باشند.

ما بمنظور اعتراضی به قانون کار تصمیم به راهپیمائی گرفتیم و برای اجازه راهپیمائی به وزارت کشور مراجعه نمودیم ولی مسافانه بما اجازه ندادند و انطوری هم که در رادیو منتشر کرده اند قصد دارند ما را بعنوان افراد مخرب و فراموش طلب قلمداد نمایند."

وی طی سخنان خود کارگران را به آرامش دعوت نموده و افزود که ما به وزارت کار برای لغو قانون جدید سود ویژه و همچنین تصمیم گیری در مورد قانون کار، مدت ۱۵ روز مهلت می دهیم و در صورت عدم توجه به خواستههایمان با دعوت همه کارگران تهران بیک راهپیمائی بزرگ دست خواهیم زد.

کارگران بر لزوم شکل و یکپارچگی تاکید کردند.
آنگاه کارگران دیگر شروع به سخنرانی کرده و به همراه توضیح وضع بد زندگی خود، به خطراتی از قبیل اخراج و بیکاری و قانون کار اشاره کرده و به لزوم شکل و یکپارچگی برای احقاق حقوق خود و ادامه انقلاب تاکید می نمودند.

یکی از کارگران به تصمیم وزارت کار در مورد لغو سود ویژه اعتراض نموده و افزود که ما کارگران باید یک قانون جدیدی برای کار تهیه کنیم و باید همه کارگران سراسر کشور متحد بشوند و یک کمیته از نمایندگان منتخب آنها تشکیل شده و در تدوین قانون جدید کار فعالانه شرکت کنند.

یکی دیگر از کارگران در سخنانش خواهان لغو ماده ۳۳ قانون کار شد و افزود که این ماده بدکاران را اجازه می دهد که کارگران را از اردیکی از کارخانه اخراج نماید و کارگران بیکار را با دستمزد کمتری اجبر کند. باید قانونی تدوین بشود که منافع کارگران را تامین نماید.
قانون فعلی از زمان طاغوت باقی مانده است. ما متحداً " توانستیم طاغوت را برکنار کنیم پس چرا هنوز قوانین طاغوتی بر سر کار است.

یکی دیگر از نمایندگان به عدم اجازه از طرف وزارت کشور اشاره کرده و افزود وجود ۲ هزار کارگر برای احقاق حق خود، یک مجور است. آیا آنوقت که آقایان وزرا می خواهند قانونی را برای سرنوشت ما تدوین بکنند ما کسب اجازه نموده اند که بعد هم بیایند و از آرامش و امنیت صحبت می کنند. همه ما طالب آرامش هستیم و برای همین هم انقلاب کردیم ولی وقتی که به صدای حق طلبانه ما گوش نمی دهید دیگر چه آرامشی میتواند وجود داشته باشد.

پس از سخنان چند نفر دیگر از نمایندگان، قطع نامه راهپیمائی کارگران صنعت چاپ قرائت شده بحضرتی از قطع نامه بنسخه زیر است:

" با قیام شکوهمند ملت عبور ایران و برانداختن سلطه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه حاش و ایجاد جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی، ما کارگران انتظار بیشتری از ارگانهای مملکتی داشته و خواهان این هستیم که هیچکس از ارگانها یا افراد تصمیم خودسرانه ای برای ما اتخاذ ننمایند و امور ما کارگران را بخودمان واگذارند و هرگونه تصمیم گیری بدون مشارکت نمایندگان منتخب کارگران را ازین محکوم می کنیم ...

- ۱- ما خواهان لغو قانون جدید سود ویژه که بنفع سرمایه داران استثمارگر می باشد و پرداخت آبر منافی آخرین دستمزد ما تصمیم جدیدی که با شرکت نمایندگان منتخب همه کارگران ایران اتخاذ نمود، می باشد.
- ۲- ما کارگران خواهان تدوین قانون کار بدست نمایندگان منتخب کارگران ایران می باشیم.
- ۳- ما کارگران خواهان بازگشت کارگران بیکار سرکار خود و جلوگیری از اخراج بی رویه کارگران می باشیم.

در پایان اعلام می داریم که وزارت کار طی نامه روز آینده از ۳ تا ۱۸ شهریور ماه اگر به خواسته های برحق و مسلم ما پاسخ مثبت ندهد، ما کارگران از روز ۱۹ شهریور ماه با تجمع خود در وزارت کار خواهان جواب قطعی خواهیم بود.

می خورد، انشقا دکشنه نوکر بیگانه از آب درمی آید.
در زمینه ایدئولوژیک، به عقاید و اعتقادات دیگران چه مذهبی و چه اجتماعی بزرگترین توهین ها میشود، بردباری و صبور و حوصله های خود را به برخوردن و بی پروکاری میدهد. مسائل عقیدتی را میخواهند به زور تفنگ، بزرور تفنگدار، بزرور چاقی به مردم بقیولانند این خود باعث عکس العمل میگردد، بجای جذب حرکت دفع و تفرقه سریع میشود.

در زمینه ی سبک کار و روشیهای برخورد هم بطور بارز دست رده سینسی دیگران زدن حاکمیت یافته است.

در چنین وضعی که انقلاب ما با این مشکلات عظیم روبروست حاکمین باید هر چه سریعتر اشتباهات یکسال ونیم گذشته را تصحیح کنند و با دیگر بجای تفرقه و وحدت را حاکمیت دهند و بقیولانائی، ز فکر تفرقه با زای تا شوی مجموع، بدون بدورانداختن افکارنا درست انحصارطلبی، نفی دیگران، طرد دیگران، نابگرایی امکان تحول بسوی بهبود غیر ممکن است. بسر ماست که واقع بینی را با دوراندیشی تلفیق کنیم، در این وضع "تفرقه" خطر دنیا لهروری، از تفرقه اندازان بسیار است، تصالیات آنرا رشیستی خرده بورژوازی محیط ما را فرا گرفته است، انقلابی گری کاذب و اپورتونیسم "جی" لجام گسیخته گرد و خاک می کنند. در چنین وضعی خطراتنا بد چسب قلابی بسیار زیاده میشود. این روزها بهر جا که قدم می گذاری مشکلات انقلاب گفته میشوند، گرایش نفی همه چیز از اسلام با زگرفته تا خود انقلاب داریا به میگیرد، بر ماست که هوشیارانه عمل کنیم، روی مشی بحرکت درآوردن کلیه نیروهای مثبت، روی مشی اتحاد بزرگ ملی، روی مصل خلقی با فاشساری نشاءیم، در دفع حملات انحصار طلبان سر سخت نباید شت حمله را چنان پیش کنیم که اگر قدرت ها و عمال آنها که دشمنان انقلاب ما هستند هر چه میکشیم از دست آنهاست فراموش شوند، در دفع حملات سرختان نباید بطوری عمل شود که برای مسلمانان نیز، هوطنان معتقد به اسلام با رز چنین برداشتی شود که ما کل جنبش اسلامی را زیر علامت سوال قرار داده ایم.

ما اینا بر مواضع، بنقطه نظرها ی حریم با ید برای نجات انقلاب بسا تمام نیروی کوشیم، به اکثریت ببندیم، کلیه عوامل مثبت را که در سطح جامعه و در خارج از مرزهای ما موجودند بسودا دهان انقلاب به حرکت درآوریم. فکر تفرقه را از خود دور سازیم و فکر جمع با شیم- بیروی از مشی تفرقه به معنی بیروی از مصلی انحصار طلبی و دنیا لهروری از بورژوازی است. مشی بیرونتاریا در مرحله کنونی مشی اتحاد بزرگ ملی، مشی استفاده از کلیه عوامل مثبت و ایجاد یک حرکت بزرگ انقلابی جدید با مضمون سه اصل خلقی می باشد.

با یدایمان داشت که اکثریت عظیم مردم ما خواهان وحدت و مخالفت تفرقه و انحصار طلبی می باشند و یر با زودیه این اشتباه تفرقه افکنانه و بهای حرکت انحصار طلبانه ها تمه داده، طوما سرختانی را که روی ایسن مشی اشتباه آمیز با فشاری کنند، درهم خواهند پیچید و مجدداً گشتی انقلاب را بر مسیر صحیح و بجلوسوق خواهند داد.

نخست وزیر و ...

از صفحها اول

واگر ما این تفاوت را روشن نکنیم عملاً حرف همانچائی را زده ایم که در رژیم گذشته این چیزها برایمان ناممکن بود.

با این تفاسیر روشن است که مکتب اسلام مبارز طرفدار، عدالت اجتماعی و همچنین آزادی و استقلال است، خواهان ادامه انقلاب در جهت تحقق ایسن خواسته های مردم است و بهیچ وجه نگران مکتب بودن یا عت نمی شود که تحقق این اصول را بدست فراموشی بسیاریم، بلکه آن کسانی که عمیقاً نگران مکتب هستند بیانش زهمه گوشت می کنند این اصول را محقق سازند و در برتوان برای خود مردم زندگی بهتری بسازند.

به همین جهت آقای نخست وزیر هم اگر نگران هستند، تلاش خواهند کرد که خواست های مردم را برآورده سازند و بدانند که در جهت تحقق استقلال آزادی و عدالت اجتماعی و رفاه مردم و در مسیر ستم رنه شرقی نه غربی کامبرد، رند، مردم از ایسن بستبانی خواهند کرد.

رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

صاحب امتیاز و سردبیر: مرزوزیری
مسئول: علی حجت

نشانی: (دفتر رنجبران) شغال یکی از مراکز خودگامهاست.
نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۲۱۴ - ۱۴۰۱ منطقه پستی ۱۵
چاپ زندگی

قضات به منزله شایسته دقیق با ید عمل کنند و نگهبان و محافظ حقوق فسرده و اجتماع مردم باشند، نمونه های عکس این قضیه را نیز در ریم، درست چند ماه پیش بود که فرماندار لنگرود دستور با زداشت روسای دادگستری و چند کارمندان دادگستری را در شهرستان حوزه ما موریت خود ما در کرد که رئیس جمهور بلافاصله حکم نامبرده را لغو کرد. مدخلات این جنبی نیز بسا د داشتند، یومورنیس جمهور نیز با رها در این زمینه هندا ردا ده اند که هر کس با ید کار و مسئولیت خودش را انجام دهد و قاضی با ید از هر گونه تعرض و تاخست و تازی مومن با شوگر نه قاضی که خود زیر نفوذ قرار داشته باشد چگونه میتواند احقاق حق کند. ۲۰- هما هنگی احکام دادگاهها در سراسر کشور این مورد نیز از موازین بسیار اهمیت در ححنه قضا میباید. ما خبرهای فراوان داشته ایم که در یک مورد بخصوص در شهرهای مختلف احکام مختلفی صادر شده است و این درست از عدم هما هنگی قضا ت شرع و بهر ای خود عمل کردن را می رساند چه اگر فرض را هم بر این بگذاریم که آنها از یک مرجع تقلیدی گرفتارند در امور دیگر جرم دیگر قرضی نمی کنند اما چگونه میشود که گرفتار در امور به جرم عمل لواط به یک ما زندان محکوم می کنند..... درست در صورت دیگر برای همین جرم احکام اعدام صادر گردیده است. بخت بر سر این نیست که کدام حکم درست است؟ بلکه سخن بر سر این است که بقیول اما مکارها بسا ید نظم داشته باشند همچنین موازین بسیار دیگر داشته اند که حکایت از عدم تصمیم گیری درست و قاطع بوده است، برای مثال فرماندار سابق ممدان تنقیب زاده به جرم جنایت با راول به اعدام محکوم شد پس اید بعد به سه سال حبس و با لاخره مشمول عذر قرار می گیرد، عکس این مورد را نیز بسیار داشته ایم که محکومی با راول به ۱۵ سال زندان و بعد به اعدام محکوم شده است. ۳۰- بی طرفی نیز یکی از اهم وظایف قضا ت شرع است. هرگز قاضی شرعی نمی بایستی با رافرا ترا ز عدل و انصاف را اول به اعدا میدهد پس اید بعد به سه سال حبس و زمین نیز نمونه های فراوان از توصیه ها و سفارش ها داشته ایم. اعدا م چنانلی میرا شرفی در اصفهان یکی از صدها مواردی است که میشود از آن یاد کرد. ایدینج آفادی حاکم شرع اصفهان در آن زمان طی چند مصاحبه مطبوعاتی از سفارشات "مخصوص با دگر بندگی سعی داشتند که اعدا میسر اشرافی را لغو کنند و با زبا کمال تا سفارش های مخصوص تنها برای آئمه کفر" که میرا شرفی نیز یکی از آنها بوده، داده میشود. قاضی شرع در اسلام با ید نمونه علی (ع) باشد و از این شونه سفارشات بدور باشد و اگر نه بهتر است منصب قضا را اگر نمی تواند ب طرف باشد، رها کند. ۴- قاطعیت یا قاطعیت هر روز صفا ت روزها همه ها بهر است از اعدا مهای مکرر بی دردی، بطوریکه روزها همه ها برای اختصار تنها به شما ره کردن تعداد اعدا می ها آنها را خلاصه می کنند، برای مثال امروز در شهرهای شیریز، مشهد، اصفهان و ۳۳۰۰۰ سفد فی الارض اعدام شدند.

هندا ر که جا بعد از بسوی جوخهان ترور و حجت و ترس نریم، ما هرگز نبایدستی معنویت را فراموش کنیم. معنویت یکی از اساسی ترین پایه های انقلاب اسلامی ما را تشکیل میداد و با ید این خصیصه را همچنان حفظ کند. ما هرگز نمی توانیمجا بعد از طریق زور و اعمال مجازات های سنگین به طریقی هدایت بکنانیم....."

وظائف کنسولگری روسیه در رشت

پس از مخالفت دولت شوروی با درخواست ایران مبنی بر تاسیس کنسولگری در شهر دوشنبه یا یخت تا جیکستان، وزارت امور خارجه ایران به دولت شوروی اطلاع داد که در مدت ۲۴ ساعت یکی از دو کنسولگری خسود را در اصفهان یا رشت تعطیل نماید.

انتظار میرفت که دولت شوروی کنسولگری خود را در رشت تعطیل نماید و کنسولگری خود را در اصفهان بخاطر کمک به تباغ روسیه در ایران بساز نگاهارد، زیرا در استان گیلان کلاً ۲۵۰ نفر تبعه روسیه زندگی می کنند، ولی در استان اصفهان ۵۰۰ خانواد روسی که مجموعاً ۲۵۰۰ نفر میشوند زندگی می کنند، اما برخلاف انتظار دولت روسیه کنسولگری خود را در اصفهان تعطیل و کنسولگری رشت را به سر کنسولگری تبدیل نمود.

علت این امر نزدیکی رشت به مرزهای روسیه و امکان فعالیت های بیشتر جاسوسی در رشت می باشد. یکی از مسئولین بلندپایه سپاه پاسداران رشت در رشت با روزنامه انقلاب اسلامی در مورد کنسولگری روسیه در رشت و سایر فعالیت های جاسوسی گفته است:

از آنجا که این کنسولگری در منطقه حساس واقع شده و از ۴ طرف به ستاد بسیج ملی و رادیو تلویزیون و نیروی دریائی و سپاه پاسداران وصل است، برای ما تحمل این وضع بسیار مشکل است. چون اطمینان داریم که بسا در نظر گرفتن موقعیت حساس این منطقه دولت روسیه تنها برای حفظ منافعی جاسوسی و ارتباطی است که این محل را تبدیل به سر کنسولگری کرده است. وی سپس گفت در چندین شب پیاپی ما هوا را به مغز برای در منطقه رشت و بندر انزلی تا اوائل صبح مشاهده شده که سحرگاهان به سوی مرز شوروی حرکت کرده است.